

انتخابات پارلمان فرانسه

در صفحه ۱۲

انتقاد  
پارلمان اروپا  
از جمهوری اسلامی

پارلمان اروپا در نشست اخیر خود در دهم مارس که با حضور وزیر امور خارجه جامعه اقتصادی اروپا برگزار شد، رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر، صدور انقلاب از طریق تروریسم و تلاش برای دست یابی به سلاح های هسته ای مورد انتقاد قرار داد. کلود شسون وزیر امور خارجه پیشین فرانسه اظهار داشت که جمهوری اسلامی تهدیدی است جدی برای امنیت در منطقه و وضع جهان.

در این نشست نمایندگان از کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا خواستند که از اطمینان به جمهوری اسلامی خودداری ورزند. هدهای از نمایندگان گفتند که در صورت خودداری جمهوری اسلامی از پذیرش قوانین بین المللی باید مجازات تحریم اعمال شود و نفت از ایران خریدار نشود.

مجلس شورای اسلامی با صدور بیانیه شدیدالحنی پارلمان اروپا را بخاطر مواضعش در مورد جمهوری اسلامی مورد حمله قرار داد. نمایندگان اعلام داشتند که بیانیه پارلمان اروپا قبل از اینکه بیانگر مطلب تازه ای باشد ثابت کرده است که این ارگان تا چه حدی بی پایه و ملعبه دست سیاست بازان جهانی است. دوازده کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا نیز تصمیم گرفتند بار دیگر در مورد فتوای قتل سلمان رشدی به جمهوری اسلامی ادامه در صفحه ۳

بای تروریسم رژیم به ایتالیا نیز کشیده شد

این ترور نیز در سطح جهانی و در بین نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور بازتاب وسیعی پیدا کرد. هدهای از اعضا پارلمان ایتالیا از دولت خواستند که سفارت حکومت اسلامی در ایتالیا را ببندد و سفیر خود را از ایران فراخواند. تعدادی از سازمانهای سیاسی از جمله سازمان ما، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران طی اعلامیه ای این جنایت را محکوم کردند. بنی صدر نامه ای به رئیس جمهور فرانسه، صدراعظم آلمان و نخست وزیر انگلستان در رابطه با ۲۷ نفری که رژیم اسلامی قصد ترورش را دارد، نوشت. سازمان بابک خرم دین طی اعلامیه ای اطلاع داد که در خرداد ماه سال قبل انجام این ترور در جلسه ای با حضور فلاحیان وزیر اطلاعات، موسوی نژاد مدیر کل اداره امنیت داخلی وزارت جنایت رژیم آخوندها است.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان پیرامون  
جنایت جدید رژیم در ایتالیا  
تروریسم رژیم باز هم قربانی گرفت  
اطلاعیه شورای مرکزی سازمان  
پیرامون تهاجم تروریستی رژیم علیه  
حزب دموکرات کردستان ایران  
در خاک عراق

در صفحه ۲

محمد حسین نقدی در شهر رم توسط دو موتور سوار ترور شد

این ترور، اجرای تصمیمی بود که ماهها پیش در جلسه ای مرکب از مسئولین وزارت اطلاعات کشور گرفته شده بود

محمد حسین نقدی، مسئول "شورای ملی مقاومت" در ایتالیا در شهر رم ترور شد. دو موتور سوار با شلیک گلوله او را به قتل رساندند. تروریست ها بلافاصله از محل وقوع جنایت دور شده و ظاهرا اثری از خود بجای نگذاشته اند. رژیم تروریست اسلامی همانند موارد قبلی، بلافاصله این ترور را به "اختلافات درون گروهی" نسبت داد. روزنامه کیهان نوشت که "نقدی از اعضای برجسته منافقین، قربانی کینه و عداوت جناح رجوی شده است" و سفارت جمهوری اسلامی در رم نیز دخالت رژیم تهران را بی اساس اعلام کرد.

نقدی جزو "دانشجویان پیرو خط امام" بود و در اشغال سفارت آمریکا در تهران شرکت داشت. او تا سال ۱۳۶۰ کاردار سفارت رژیم اسلامی در ایتالیا بود. او در آن سال با شدت گرفتن درگیری بین مجاهدین و حکومت اسلامی، از مقام خود کناره گرفت و به شورای ملی مقاومت پیوست. داده بود که جانش در خطر است. ولی آنچه معلوم است حفاظت جدی در کار نبوده است. چند روز قبل از این حادثه،



بهاران  
خجسته باد  
سال نو و  
دشواری های باز هم بیشتر اقتصادی

سالی که پیش روست بنابه تمام قرائن موجود سال دشواریهای اقتصادی باز هم بیشتری خواهد بود. بحران اقتصادی - اجتماعی تشدید و پیامدهای آن، زندگی و معیشت مردم را با شدت هر چه بیشتری زیر فشار قرار خواهد داد. وضع بگونه ایست که حتی از مسئولان حکومتی کسی جرأت آنرا نیاخته از برای تبلیغ هم که شده، نسبت به اوضاع اقتصادی پیش رو اظهار نظر خوش بینانه ای ابراز نماید. چهار سال از تصدی ریاست دولت توسط رفسنجانی که مهار بحران اقتصادی و تخفیف مصائب مردم در سر لوحه برنامه های دولت او قرار داشت، میگذرد، اما در این مدت نه تنها مشکلی از پیش پای برداشته نشده، بلکه از اواسط سال گذشته بدینسو اوضاع اقتصادی کشور آشکارا رو به وخامت گذاشته است. تورم مهار گسیخته، گرانی بیسابقه مایحتاج روزانه مردم و تشدید فقر عمومی از اثرات این وخامت اقتصادی بود. سالی که گذشت سال سقوط شمار هر چه وسیعتری از توده های مردم در فقر بود و برای سال جدید نیز چشم اندازی بهتر از این قابل تصور نیست. تصمیمات و اقدامات دولت برای سال جاری که در چارچوب بودجه سال ۷۲ گنجانده شده است حاکی از آنست که وضع در سال جدید حتی بسیار وخیم تر از سال گذشته خواهد بود.

بودجه سال ۷۲ به ادعای دولت بدون کسری و فیر توری است. اما به اعتراف کارگزاران خود رژیم این بودجه هم بدلیل غیر قابل حصول بودن درآمدهای پیش بینی شده در بودجه - چه از فروش نفت و گاز و چه از مالیات ها - با کسری قابل ملاحظه ای روبروست و هم به علت حجم عظیم بودجه - معادل دو برابر بودجه سال گذشته - بشدت تورم زاست. به عقیده بسیاری از کارشناسان با توجه به وضع بازار نفت و امکان ستوط بهای آن و محدودیت سقف تولید برای ایران، درآمد حاصله از فروش نفت در سال جاری بیش از ۱۲ - ۱۳ میلیارد دلار نخواهد بود. این رقم در بودجه امسال ۱۶ میلیارد دلار پیش بینی شده است. درآمدهای مالیاتی نیز بنابه تجربه سال های گذشته هیچگاه منبع قابل اتکالی نبوده و میزان قابل حصول آن هیچگاه بیشتر از نصف ارقام پیش بینی شده نبوده است. دولت برای جبران این کسری بابه سیاق معمول دست به استقرار و چاپ اسکناس خواهد زد و این امر بنوبه خود نتیجه ای جز تشدید تورم و گرانی بیشتر در پی نخواهد داشت.

اما شاید مهم ترین آثار زیانباری که بودجه سال جاری در وضع اقتصادی کشور بجای خواهد گذاشت، تصمیم دولت به یک نرخی کردن ارز و تنظیم بودجه امسال بر آن اساس است. تک نرخی کردن ارز یا کاهش ارزش رسمی ریال در برابر دلار در واقع شاه کلید برنامه ۵ ساله اول دولت و سیاستهای "تعدیل اقتصادی" آقای رفسنجانی است. دولت بجای تخصیص اعتبار ارزی برای دستگاههای دولتی - که در سالهای گذشته معمول بود - معادل ریالی آنرا به ازای هر دلار یک هزار ریال وارد محاسبات خود در تنظیم بودجه کرده است. حاصل اینکار بوجه ایست که از نظر حجم ریالی معادل دو برابر بودجه سال گذشته است. هیچ کس حتی مسئولان دولتی نیز کتمان نمی کنند که چنین حجم عظیمی از هزینه های دولتی چه تورم شدیدی را در پی خواهد داشت.

دولت در توجیحات خود در باره کاهش ارزش ریال یا یکسان ادامه در صفحه ۳

مانورهای نظامی در خلیج فارس

هفته گذشته یک ناو هواپیمابر امریکایی وارد آبهای خلیج فارس شد و قرار است دو زیر دریایی اتمی دیگر یکی متعلق به ناوگان دریایی امریکا و دیگری متعلق به نیروی دریایی انگلیس بزودی وارد آبهای خلیج فارس شوند. این ناو و زیر دریایی ها به ناوگان دریایی امریکا و انگلیس که بعد از جنگ خلیج فارس در آبهای منطقه مستقر هستند، خواهند پیوست و در ماههای آتی قرار است چندین مانور دریایی و هوایی و نیز مانور جنگ زیر دریایی ها با شرکت

ادامه در صفحه ۲

جزئیاتی تازه از "مسئله منتظری"

آیت الله منتظری: چرامی گوئید زندانی سیاسی نداریم؟

نشریه انقلاب اسلامی در شماره جدید خود نکات تازه ای از درگیری میان سران رژیم و آیت الله منتظری را فاش کرده است. به نوشته این نشریه بخش مهمی از سخنان منتظری در روز ۲۱ بهمن ماه گذشته که به یورش به خانه او انجامید در باره زندانیان سیاسی و افشای دروغگویی های رژیم بوده است. منتظری در آن سخنرانی گفته است: "بسیاری از کسانی که تا میخواستیم فتوای امام را بگوئیم می گفتند خمینی خمینی راه نیاندازید. اینجا ما می خواهیم کاسیجان را بکنیم. حتی فتوای امام را نمی گذاشتند گفته شود، اینجا خیلی هاشان حالا شده اند حامی انقلاب و به تعبیر امروزیها، فرصت طلبها. اینجا حالا دارند خط میدهند و حافظ انقلابند!! بچه هایی که مخلص انقلابند، خیلی از آنها به بهانه های مختلف باید توی زندانها باشند، برایشان پرونده درست می کنند، خیلی هاشان حالا توی زندانند، آن وقت آن آنها هم میگویند بله اصلا ما یکدانه زندانی سیاسی در ایران نداریم. خب آقای بزرگوار مردم که میدانند این حرفها که می زیند مصرف خارجی دارد. می خواهید

به خارجها بگوئید ما زندانی سیاسی نداریم والا خودتان میدانید و مردم هم که میفهمند و میدانند که بچه های مخلص انقلاب تحت تعقیبند. خیلی از آنها برای یک چیزهایی جزایی به زندان می روند."

منتظری در سخنان روز ۲۱ بهمن ماه خود به موضوع مخالفتش با ادامه جنگ هم اشاراتی داشته است. او با تصریح این نکته که علاوه بر خود وی، کسان دیگری هم از روحانیون حاکم با سیاست ادامه جنگ خمینی مخالف بوده اند ولی بر خلاف او جرئت ابراز مخالفت را نداشته اند، در سخنرانی خود به خاطرهای در همین رابطه اشاره کرده است: "یادم است که یک نامه ۵ صفحه ای راجع به جنگ به مرحوم امام نوشتم که آقایان شاید نامه مرا دیده اند. یک روز آیت الله مشکینی آمدند به خانه ما شروع کردند به اشکال که آقا، دارند موشک باران می کنند تهران را، کجا راه شما این جا نشسته اید، به داد مردم برسید. مردم زده شدند، توی صفا نقش می دهند... گفتیم: بروید ادامه در صفحه ۲

سئوال رسمی  
گروهی از نمایندگان مجلس آلمان  
در باره فعالیت های تروریستی جمهوری اسلامی

به دنبال انتشار اطلاعات و انجام افشاگرایی هایی در مورد تروریسم دولتی حکومت ایران در خاک آلمان، در تاریخ ۲۵ ژانویه ۹۳، نمایندگان فراکسیون "اتحادیه ۹۰، سبزها" در پارلمان فدرال آلمان، از دولت این کشور سئوالاتی کردند. این سئوالات تحت عنوان "فعالیت های تروریستی دولت ایران در خاک آلمان و ظاهرا تلاش های مقامات دولت فدرال برای مسکوت گذاشتن آن" مطرح شده است. این سند ۸ سئوال را شامل می شود. در سند مزبور آمده است:

"ما از دولت فدرال می پرسیم

۱- تا چه حد گزارش مجله "فوکوس" شماره ۳ سال ۱۹۹۳ در این زمینه صحت دارد که بخش حفاظت دولتی اداره جنایی فدرال (BKA) در ماه دسامبر

۱۹۹۲ در مورد خطر حملات تروریستی در آلمان همچنین روبرودن شهروندان آلمان توسط سازمان امنیت ایران (ساواما) اظهار داده بود؟

۲- همچنین تا چه حد این گزارش صحت دارد که بر مبنای تحقیقات BKA، عاملین ترور ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین که در آن چهار تن از سیاستمداران تبعیدی کردکشته شدند، از طریق مامور ساواما کاظم د. (کاظم دارابی) در هماهنگی با کنسولگری ایران در برلین - محله پانکو و قرار داشته و طی ملاقات های مستمر در مسجدی واقع در Kottbuser Tor برلین، با پول، اتومبیل، اسلحه و خانه های مخفی مورد پشتیبانی قرار گرفته اند.

۳- چه اطلاعاتی دولت فدرال در مورد دخالت کنسولگری ایران

گزارش عملکرد شورای مرکزی سازمان  
پس از اجلاس وسیع اسفند ۷۰  
در صفحه ۲

یادداشت

شبح شور شهای تازه رژیم را آزار می دهد

سالی دیگر در میهن ما نوحه شد. اما سران رژیم هنوز نتوانسته اند از کابوس آزار دهنده شور شهای مردم به جان آمده و هاضی که سال ۷۱ را به کام آنها تلخ کردند رهایی یابند. شبح این شور شها کماکان بر وجود حاکمان سنگینی می کند. سران رژیم بدرستی دریافته اند که آنچه در بهار و تابستان گذشته خواب از چشمان آنها ربود نه واقعه ای مربوط به گذشته، بلکه حادثه ای است که حال و آینده آنها را تعدید می کند. آنچه که به نگرانی ها دامن میزند، اوضاع نابسامان و به شدت بحران زده اقتصادی است که جامعه ما را به تمامی در خود فرو برده است. سیاستهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که سران رژیم در پیش گرفته اند، اثرات خود را در سالی که آغاز کرده ایم بیشتر نمایان خواهد ساخت. این واقعیتی است که تقریباً همه کارشناسان اقتصادی و آگاهان سیاسی بدان واقفند. مشاهداری بسیاری داده شده است که سال آینده فقر، بیکاری و گرانی افزون تر از آن خواهد شد که تاکنون بوده است. نتیجه بدیمی چنان فلاکتی که سران رژیم برای مردم تدارک دیده اند، خطر شورش، هشیان و اعتراضات مردمی را نیز افزون تر کرده است. حکومت اسلامی برای مقابله با این وضع تصمیم به تغییر سیاستهای ویرانگر خود که جامعه را با سرهتی باور نکردنی به ورطه فقر و فلاکت می کشاند نداد و از همین رو با شتاب در پی سامان دادن به نیروهای خود برای سرکوب جنبشهای اعتراضی احتمالی است. برخی نشانه های این تلاش چنین اند:

در میانه اسفند ماه موحدی ساوجب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس طی مصاحبه ای اطلاع داد که کمیسیون فوق الذکر در "امور امنیتی کشور" وظایف و مسئولیت های سنگینی به عهده گرفته است. یکی از جنبه های این وظایف و مسئولیتها تشکیل هیات هایی است که برای بررسی همل حوادث خرداد ماه گذشته شهر مشهد تشکیل شده و به استان خراسان اعزام شده اند. هر چند وظیفه این هیات "بررسی همل حوادث" اعلام شده، اما به خوبی روشن است که "همل" از چشم

مقامات حکومتی پنهان نیست و احتیاج چندانی به تحقیق ندارد. آنها بیش از آن، در صدد آمادگی نیروهای خود و چاره جویی برای مقابله موثرتر با حوادث بعدی هستند. این موضوع که مجلس شورای اسلامی پس از قریب ۹ ماه بار دیگر به یاد حوادث شهر مشهد افتاده، خود گویای حضور سنگین اینگونه حوادث در فضای جامعه است.

بر اساس اخبار رسیده از تهران ستاد ویژه بحران این روزها فعالیت خود را تشدید کرده است. اعضای این ستاد را محالترین مقامات جمهوری اسلامی از جمله خامنه ای و رفسنجانی تشکیل میدهند که خود نشانه اهمیت این ستاد است. گفته می شود وظیفه اصلی این ستاد مقابله با حوادث غیر مترقبه ای است که می تواند در جامعه پدید آید. این ستاد قرار است مانع آن شود که رژیم آنگونه که در مشهد قاتلگیر شد، در حوادث احتمالی بعدی قاتلگیر شود.

و بالاخره باز هم از تهران خبر می رسد که در آستانه سال نو نقل و انتقالات گسترده ای برای تقویت قدرت نیروهای سرکوبگر در پایتخت صورت گرفته است و چندین گردان زبده از نیروهای سپاه پاسداران به تهران منتقل شده اند و تحت فرمان نیروهای انتظامی تهران قرار گرفته اند تا در مقابله با شور شهای احتمالی در تهران آنها را یاری رسانند.

این اقدامات ادامه روندی است که از تابستان گذشته آغاز شده و هدف آن مرهوب ساختن مردم از یکسو و آمادگی برای سرکوب آنها از سوی دیگر بوده است. تدابیر اخیر نشان میدهد که همه اقدامات سرکوبگرانه و مرهوب کننده رژیم در ۹ ماهه گذشته خطر شور شهای مردمی را کمتر نکرده است. برعکس، بعلت وضعیت فلاکت بار مردم و سیاستهای رژیم در تشدید این فلاکت ها، خطر شور شهای مردمی در حال افزایش است. مردم، در بیان انتقادات خود به اوضاع و پر خاش به رژیم و مسئولان حکومتی، هرگز این اندازه جرات بخرج نداده بودند که امروز از خود نشان می دهند.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیرامون جنایت جدید رژیم در ایتالیا

تروریسم رژیم باز هم قربانی گرفت

در روز بیست و چهارم اسفند ماه، دو تروریست در شهر رم به ماشین حامل آقای محمد حسین نقدی حمله بردند و وی را با شلیک چندین گلوله به قتل رساندند. آقای نقدی، مسئول "شورای ملی مقاومت" در ایتالیا، که در سالهای اول حکومت جمهوری اسلامی کاردار سفارت ایران در ایتالیا بود، از سال ۱۳۶۰ به دلیل وابستگی به "شورای ملی مقاومت" تحت پیگرد رژیم قرار داشت.

ترور آقای نقدی در شرایطی صورت گرفته است که به گفته مسئول سازمان مجاهدین خلق ایران در ایتالیا، پلیس این کشور از روزها قبل در جریان احتمال سواقت علیه جان وی قرار گرفته بود. حتی بگفته شبکه دولتی RAI - ۱ تلویزیون ایتالیا که ارتباط تنگاتنگی با ارگان های دولتی این کشور دارد، نام محمد حسین نقدی جزو لیستی بوده است که پلیس آلمان در اختیار داشت. این لیست که گفته می شود حاوی نام قریب ۲۰۰ نفر از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی است، عمدتاً از مراکز توطئه این رژیم در آلمان بدست آمده و متأسفانه دولت آلمان تا به امروز از انتشار کامل آن خودداری کرده است.

این جنایت فحیح بار دیگر همه انسانهای آزادیخواه و وجدانه ای بیدار را همیقا متأثر نموده و نفرت آنان را از رژیم آدمکش جمهوری اسلامی دو چندان کرده است. اکنون یکبار دیگر همه می پرسند که این ترورها تا کجا ادامه خواهد یافت. خون های ریخته شده و جان صدها نفر دیگر از اپوزیسیون این رژیم، تا کی وثیقه معاملات اقتصادی و ملاحظاتی دیپلماتیک دولتها قرار خواهد گرفت؟

قتل دکتر عبدالرحمن قاسملو و یاران او در اتریش، دکتر شاپور بختیار و برومند در پاریس، کاظم رجوی در سوئیس، سرهنگ احمدی در دوی، دهها نفر در ترکیه، پاکستان و قبرس و شیریه نمونه هایی از اعمال تروریستی رژیم است که گویا می دانسته پیگرد و مجازاتی علیه آن در کار نیست. وگرنه، این رژیم نمی توانست فقط طی سال ۱۳۷۱ دکتر شرفکندی و یاران او را در برلین، فریدون فرخزاد را در بن، دهها نفر از مجاهدین خلق و مبارزان کرد را در خاک عراق و چندین نفر دیگر را در ترکیه بکشد. اگر رژیم خطر مجازات خود را جدی می دید هرگز نه میتوانست دوروز پیش، شش فرزند هواپیمای جنگی خود را به منطقه منومه هوایی در خاک عراق گسیل بداد تا مخالفان خود را کشتار کند، و نه امروز جنایت تازه ای در رم صورت می گرفت. اگر رژیم دست خود را برای کشتن

اما با تاسف همیق باید گفت که در حالیکه تروریسم دولتی به همه اپوزیسیون، و تأکید می کنیم به همه بخشهای اپوزیسیون ارتباط می گیرد، هنوز هم اپوزیسیون از یک هم مشترک نیرومند در مقابله با تروریسم لجام گسیخته رژیم، فاصله بسیار دارد. ماصر احتیاط اعلام می کنیم که در امر تحقق نقشه های تروریستی رژیم، همه نیروهای اپوزیسیون مسئول بوده اند و سهم هر نیرو و جریانی نیز در این مسئولیت همومی، بستگی مستقیم به میزان انحصار طلبی، گروه مداری و تنگ نظری سیاسی آن داشته است. مقابله با تروریسم، یک امر مشترک است و هر کس با هر جریان و نیرویی که بهر دلیل و بهانه ای از اشتراک مساهمی و اتحاد همل در مقابله با تروریسم، و چاره جویی برای از کار انداختن ساطور خون چکان رژیم علیه مخالفان شانه خالی کند، ناخو است به تداوم خونریزی یاری رسانده است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با ابراز تاسف همیق از ترور اخیر در رم و ابراز همدردی با همسر و بستگان و همزمان آقای محمد حسین نقدی، یکبار دیگر همه نیروهای قربانی تروریسم رژیم را به اقدام مشترک علیه ترور و جنایت رژیم فرامی خواند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بیست و چهارم اسفند ماه ۱۳۷۱

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون تعاجم تروریستی رژیم علیه

حزب دموکرات کردستان ایران در خاک عراق

هم میهنان! بنا به اطلاعیه حزب دموکرات کردستان ایران، روز ۲۲ اسفند ماه برابر با ۱۳ مارس، شش فرزند هواپیمای جنگی جمهوری اسلامی وارد منطقه منومه هوایی در داخل خاک عراق شده و محل دفتر سیاسی این حزب را زیر آتش گرفته اند. بر اثر این حمله، متأسفانه چهار نفر از پیشمرگان این حزب به قتل رسیده و تعدادی نیز زخمی شده اند. رژیم تروریست جمهوری اسلامی فقط در هراس یکسال گذشته بیش از ده بار از طریق هوا زمین به خاک کشور همسایه ما تجاوز کرده است تا مخالفان خود را به قتل برساند.

توطئه اخیر که به منظور ضربه زدن به رهبری حزب دموکرات کردستان ایران سازماندهی شده بود، ادامه ترورهای است که در او اسطامسال شهر برلین راه خون کشید و در جریان آن دکتر صادق شرفکندی دبیر کل این حزب و یاران او، فتح همدلی، همایون اردلان و نیز نوری دهکردی از فعالین جنبش چپ دموکرات ایران، به قتل رسیدند.

این ترور جنایتکارانه در همین حال بیانگر یک ماجراجویی نظامی خطرناک است که نشان می دهد رژیم برای رسیدن به هدف پلید نابودی مخالفان خود، از دست زدن به ماجراجویی های نظامی که میتواند موجودیت مرزهای امن را به خطر اندازد و علیه آتش بس و صلح بین دو کشور همسایه تمام شود، هیچ ابایی ندارد. رژیم و بنحو بقایت غیر مسئولانه ای مصالح مردم و کشور ما را بازیچه امیال

تروریستی خود قرار داده است. شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با محکوم کردن این اقدام تروریستی و ماجراجویانه، و ابراز همدردی با حزب دموکرات کردستان ایران بخاطر شهادت چهار نفر از اعضای این حزب، و نیروهای اپوزیسیون را به اقدام مشترک و هاجل علیه تروریسم برون مرزی رژیم و سیاست سرکوب آن در درون کشور، فرا میخواند. این ترور، حلقه ای از سلسله زنجیره ترورهای است که رژیم در سراسر جهان آنها را به نمایش گذاشته و به آنها ادامه می دهد. رژیم، در کشتن مخالفان خود از پراکندگی و نبود اتحاد همل بین آنها توپا سود می برد و اگر اپوزیسیون به چاره جویی سریع و متحدانه بر نخیزد و جهانیان را به اقدام قاطع علیه رژیم تروریست و قانون شکن فراخواند، مطمئناً در روزها و ماههای آتی نیز دست جنایت رژیم، علیه نیروهای اپوزیسیون با هر نوع اعتقاد و هر نوع از شکل و شیوه مبارزه بیرون خواهد آمد. مبارز دیگر به همه مخالفان رژیم ترور و استبداد مشدار می دهیم و بار دیگر اعلام می داریم که آماده هر نوع همکاری علیه تروریسم دولتی رژیم با هر نیرویی هستیم که بالفعل یا بالقوه قربانی سیاست ترور رژیم است.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بیست و سوم اسفند ماه ۱۳۷۱

در سودان شرکت داشته است. ادامه ترورها و ترور محمد حسین نقدی نشان میدهد که رژیم اسلامی واقف است که کشورهای غربی مصالح اقتصادی شان را بر حمایت از قربانیان ترور و دفاع از حقوق بشر ارجح می شمارند و مخالفان حکومت را در مقابل عملیات تروریستی بی دفاع میگذارند. با وجود ترورهای مکرر و در مواردی مشخص شدن عوامل ترور، تاکنون کسی محاکمه نشده و حکومت اسلامی تحت فشار قرار نگرفته است. دولت آلمان از اعلام هملی لیست ترور و نقش جمهوری اسلامی در ترور برلین اجتناب می ورزد و نقطه کسانی از این لیست ترور، از جانب پلیس آلمان بطور خصوصی اطلاع داده شده است که مواظب خودشان باشند. این وضع بار دیگر لزوم فعالیت پیگیر نیروهای اپوزیسیون و همکاری و اتحاد همل آنها را در رابطه با ترور نشان میدهد.

زندان هستند نمونه می آورد: "نمونه اش آقای داود کریمی که قبل از انقلاب زندان بود و شکنجه دیده بود و بعد از انقلاب، فرمانده سپاه تهران و فرمانده سپاه منطقه ۱ بود. آقای محسنی فرمانده لشکر بود. اینها طرفدار آقای منتظری و الا ن در زندان هستند."

مهندس منتظری در قسمت دیگری از این مصاحبه از قول آیت الله خاظر نشان می کند: "ایشان نسبت به آزادی مطلوبهات، شدیداً معتقدند همه آزاد باشند. نظرات مخالف گفته بشود، جوابی اگر هست باز داده بشود تا باعث پیشرفت بشود و اگر بنا باشد هیچکس چیزی نگوید و یک تعداد بخصوص بگویند، این در جا زدن است... ایشان کلاً معتقد به آزادی عقیده و آزادی مطبوعات و آزادی نشر کتاب هستند."

مانورهای نظامی در خلیج فارس

ادامه از صفحه ۱

تذکر بدیدید. گفت: شما چرا هیچ چیز نمی گویید؟ من هم نامه ای را که راجع به جنگ نوشته بودم، برای ایشان خواندم. خدا شاهد است چند مرتبه گفتم: الحمدالله، آنچه را می خواستم بگویم شما گفته اید. گفتم: خیر، تکلیف شما ساقط نشده است. من یک نغم و شما همه بایستی به ایشان بنویسید..."

به دنبال تکذیبیه مهندس احمد منتظری فرزند آیت الله منتظری در مورد آنچه خبرگزاری جمهوری اسلامی به او نسبت داده است، قسمت هایی از اصل این مصاحبه منتشر شد. احمد منتظری در توضیح سخنانی آیت الله می گوید: "یک مقدارش در باره زندانیان سیاسی است که بیاید به مردم راست بگویند. چرا ما می گوئیم زندانی سیاسی نداریم؟" وی سپس دو تن از هواداران منتظری را که در منطقه و نیز قرب و خرید و استقرار یک زیر دریایی در آبهای خلیج فارس، بی تاثیر در این نمایشات نظامی نیست. اگر جمهوری اسلامی در سیاست های تسلیحاتی خود نیتی جز دفاع از خود نداشته باشد، خرید یک زیر دریایی - آنهم از نوع نه چندین پیشرفته آن - پیش از آن که به سودافزایش توان دفاعی کشور باشد، بهانه ای برای مسابقه تسلیحاتی در منطقه و حضور بیشتر بیگانگان و تحریرات آنها در آبهای خلیج فارس شده است.

کار را مشترک شوید



### سال نو و دشواری های باز هم بیشتر اقتصادی

ادامه از صفحه ۱

سازی نرخ ارز، از جمله مدعی است با این اقدام هزینه واردات کالاهای خارجی افزایش یافته و موجب رشد تولیدات داخلی خواهد شد؛ اما به عقیده اکثر کارشناسان اقتصادی، تورم ناشی از حجم عظیم بودجه دولتی، هزینه های تولیدات داخلی را نیز چنان بالا خواهد برد که امکان رقابت با واردات خارجی را پیشاپیش خنثی خواهد کرد. عجیب تر آنکه دولت در حالی مدعی حمایت از تولیدات داخلی است که در دو سال گذشته با اقدام به واردات بی رویه ضربات جدی به تولیدات داخلی زده است از سوی دیگر برهم ادعای دولت برای ایجاد موانع در برابر واردات خارجی، کشور ما برای تغذیه نیمی از جمعیت خود محتاج واردات است. از غله و خواربار گرفته تا گوشت و مرغ و پنیر...

دولت بجای اعتراف به اینکه واردات خارجی از این پس به همان نرخ بازار سیاه ارز در اختیار مردم قرار خواهد گرفت، به دروغ آترادر لغافه "دفاع از تولید داخلی" پو شانده است.

یکی دیگر از دلایل دولت برای یک نرخ کردن ارز جلوگیری از ریخت و پاش و فساد در دستگاه های دولتی، با استفاده از سهمیه ارزی ذکر شده است. اما این امر نیز بجای آنکه اقدامی برای جلوگیری از ریخت و پاش و فساد در دستگاه های دولتی در آن قوطه و رتد باشد، صدور مجوز برای افزایش نرخ خدمات دولتی از طرف این دستگاه ها، چرا که وزارتخانه ها و موسسات دولتی تاکنون -چنانکه معمول بود- با فروش حداقل بخشی از سهمیه ارزی خود در بازار سیاه، قسمتی از هزینه های خود را تامین می کردند. با قطع این ممر درآمد، آنها ناگزیر از افزایش بهای خدمات خود خواهند بود.

طرفه آنکه، به رقم قسم و آیه رفسنجانی در پیام نوروزی خود و عده به مردم که بهای مایحتاج عمومی افزایش نخواهد یافت، همه چیز حاکی از اوضاع سخت و مشقت بار ناشی از افزایش بی سابقه بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم در سال جاری است. در حقیقت آنچه دولت تحت عنوان تک نرخ کردن ارز مصمم به اجرای آنست، چه دولت خواسته باشد و چه نخواست باشد، حتی اگر این اقدام در نگاه دراز مدت به مصلحت عمومی باشد، به شیوه ای که اکنون در حال انجام است در عمل چیزی جز انتقال تمام بار بحران ناشی از تنگنای عظیم اقتصادی دولت بدوش توده های مردم نیست. تنگنای اقتصادی دولت که از آن سخن می رود عبارتست از کاهش بی سابقه درآمدهای دولت در برابر هزینه های آن. یک قیاس آماری کوچک ابعاد هولناک این تنگنای اقتصادی را به تمامی روشن می کند: ایران در سال ۵۶ داری ۲۶ میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل از فروش نفت ۳۵ میلیون نفر جمعیت بود. در سال ۱۷۲ ایران با ۶۱ میلیون نفر جمعیت تنها ۱۳

میلیارد دلار از طریق فروش نفت و گاز بدست خواهد آورد. حتی اگر خرابیهای ناشی از جنگ و از دست رفتن بخش قابل ملاحظه ای از ظرفیتهای تولید داخلی را هم در نظر بگیریم، درآمدهای دولت به نسبت سرانه در مقایسه با ۱۵ سال قبل به یک چهارم تقلیل یافته است. اما این، تمامی ابعاد قضیه نیست. دولت برای نخستین بار در ۱۴ سال گذشته زیر بار عظیم ترین قرض خارجی رفته است. میزان این بدهی ها بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود که بخش عمده آنها اعتبارات کوتاه مدت برای خرید های خارجی است و در اثر ناتوانی دولت در پرداخت سر مود آنها، رویهم تلنبار شده است. همین امر موجب توقف یا تقلیل تخصیص اعتبار از سوی بانک ها و موسسات خارجی شده و دولت را در تنگنای مضاعفی برای مقابله با دشواریهای اقتصادی قرار داده است. افزون بر این بحران سیاسی حاد در مناسبات حکومت اسلامی با جهان خارج بویژه جهان غرب، دست و پای رژیم را بیش از پیش برای برخورداری از حداقل یاریهای خارجی بسته است.

در چنین شرایطی است که دولت تصمیم گرفته است با اصلی بحران اقتصادی را تحت عنوان یک نرخ کردن ارز با توجهیهای ظاهر پسندی چون دفاع از تولیدات داخلی و جلوگیری از ریخت و پاش و فساد دستگاه های دولتی و مقابله با بازار سیاه ارز، برگرداند مردم شور ریخت منتقل کند. دولت نه حاضر است و نه ظاهر را دیگر می تواند در حد سالهای گذشته از طریق سوبسید و دخالت در کنترل توزیع برخی کالاها اساسی اندکی از بار توان فرسای مشکلات زندگی مردم را بکاهد. کفگیر به تمام معنا ته دیگ خورده است. حتی ۵ میلیارد دلاری که در بودجه امسال به حساب تامین کالاها اساسی مردم از دایره شمول یک نرخ کردن ارز خارج شده، در اساس نه برای تمهید کالاها اساسی که همدا در خدمت تامین خریدهای تسلیحاتی رژیم است.

اگر وضع چنین پیش رود رقم ۳۰ میلیون نفری که در سال گذشته بنابه اعتراف وابستگان خود رژیم زیر خط فقر زندگی می کردند، بزودی و به آسانی به مرز ۹۰ و ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. لیکن در پائین و در میان مردم نیز وضع به سیاق سابق نیست. اگر کفگیر دولت به ته دیگ خورده، کاردم هم به استخوان مردم رسیده است. شور شمای بهار سال گذشته نمودی از این وضع بود. هم تنگنای مالی و اقتصادی رژیم و به آخر رسیدن حد تحمل مردم، هراس حکومت از طغیان مردم و محدود شدن جدی امکانات مانور حکومت برای مهار اوضاع، این، وضع مردم و حکومت در سال پیش روست و بنظر می رسد حوادث عمده سال جاری را نیز همین وضع حکومت و مردم تعیین خواهد کرد.

### قطع روابط دیپلماتیک الجزیره و تهران

دولت الجزایر روز شنبه گذشته اعلام کرد روابط دیپلماتیک خود با حکومت جمهوری اسلامی را بطور کامل قطع می کند. در پی اعلام این تصمیم، الجزایر سفیر خود را از تهران فراخواند و از دولت جمهوری اسلامی نیز خواست تا سفیر خود را از الجزیره خارج سازد.

دولت الجزایر دلیل این اقدام خود را دخالت جمهوری اسلامی و رژیم بنیادگرای سوئدان در ناآرامیهای یکسال اخیر الجزایر اعلام کرده و گفته است این دو رژیم از فعالیت تروریستی

### انتقاد پارلمان اروپا از جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

اخطار کنند که از تحریک جامعه بین المللی هیچ سودی نصیب نخواهد شد. دولت بلژیک که از ماه ژوئیه ریاست دوره ای جامعه را بر عهده خواهد گرفت با انتشار اعلامیه ای اعلام کرد: "با توجه به اهمیت ایران در منطقه و موقعیت بی ثبات خاورمیانه، دوازده عضو جامعه اقتصادی اروپا تصمیم داشتند گفتگوهای انتقادی با ایران را ادامه دهند. اکنون بلژیک و شریکانش در جامعه، این گفتگو را با هدف تضمین این موضوع در دولت ایران که از تحریک جامعه بین المللی بویژه با مساله سلمان رشدی طرفی نخواهد بست ادامه خواهند داد."

معاون وزیر امور خارجه ژاپن در ملاقاتی با حسین کاظم پور اردبیلی سفیر جمهوری اسلامی در توکیو رسماً از حکومت اسلامی خواست که از مخالفت با کنفرانس صلح خاورمیانه دست بردارد و به حمایت از گروه های تندرو فلسطینی چون حماس

این مجموعه رویدادها نشان می دهد که فشارهای کشورهای غربی بر جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد و جمهوری اسلامی نیز بی اکتفا باین فشارها، همچنان بر مواضع و اقدامات خود پای میفشارد.

### یک حساب ساده!

است از یک همدان لواش ۱۵ ریال، ۲۵ گرم پنیر ۸۷/۵ ریال، یک چای شیرین ۱۰ ریال ضربدر ۶ می شود ۶۷۵ ریال. ناهار هر نفر ۲ لواش ۳۰ ریال، ۵۰ گرم پنیر ۱۷۵ ریال و یک چای شیرین ۱۰ ریال ضربدر ۶ می شود ۱۲۹۰ ریال. و شام هم طبق ناهار ۱۲۹۰ ریال پس ما در روز فقط نان و پنیر و چای خورده ایم شده است ۳۲۵۵ ریال ضرب در ۳۰ شده است ۹۷۶۵۰ ریال (اسراف که نکرده ایم؟) عائله من ایاب و ذهاب ندارند، کنش نمی خواهند، پرتقال و لیمو و نارنگی را اهاه و آب روان جوی را به به می کنند ویتامین موز چیکیتا و دل را از پشت شیشه میوه فروشی جذب می کنند، مریض نمی شوند، پول آب و برق و گاز و تلفن نمی دهند خود را با فضولات دامی گرم می کنند با برگی سترهورت می کنند، رفت و آمد ندارند و دید و بازدید و عیادت مریضی و هروسی در و همسایه و فامیلی نمی روند. کتاب و مداد و لوازم التحریر نمی خرند و از بقل دستی کش می برند از همیاری با مدرسه گریزانند و می زنند بیخ بریده اند و کنج خانه چیدمانند. برای این زندگی نان و پنیری و قسط بانک مسکن هائله من در ماه با ۴۵۰۰۰ ریال کسر بوده می فرمائید...

من اگر کارمند بازنشسته این مملکت نباشم یک شهروند که هستم. دین، مذهب، اخلاق حرف ایجاب نمی کند که مدیریت کشور همیشه بالا را برای یک خانوار مسلمان فراهم کنند؟ زندگی طلبگی که زحمای مملکت عنوان می کنند کمتر از صورت حساب بالاست؟ نحوه زندگی بالا همین مصداق لغت پرمیز و قناعت هست یانه؟

باتقدیم احترام امضا محفوظ

استدلال مردم در افشای هوامفریبی های سران رژیم ساده اما کوبنده و زبان آنها در توضیح وضع مشقت باری که امروز جامعه ما در آن گرفتار آمده از هر زبانی گویاتر است. آنچه که در زیر میاید نامه یک کارمند به روزنامه سلام چاپ تهران است. نامه ای که به روشنی همق بحران و فاجعه را نشان می دهد:

باعرض سلام جناب رئیس جمهور چند روز پیش بهنگام مصاحبه مطبوعاتی داخلی و خارجی مطالبی تقریباً باین مضمون در پاسخ خبرنگاری ابراز فرمودند: "ماسهی می کنیم حقوق کارمندان را با تورم هم آهنگ و در بعضی موارد بیش از آن ترمیم کنیم." حال می خواهم جسارتاً عرض کنم که اگر چند روزی بهنگامی که از منزل خارج می شوید خدمت شما مرض شود که: "در خانه هیچی نداریم. موقع برگشتن سر راه کمی گوشت و پنیر و میوه و برنج و... و... بخر و بیآور" و اگر شما شخصاً این خریدها را انجام می دادید متوجه می شدید که خرید شما کجا و حقوق ریاست جمهوری شما کجا، ضرورت های زندگی شما کجا و حقوق رئیس جمهوری کجاست؟ مبلقی که دولت بعنوان حقوق به کارمندان شافل و بازنشسته خود می دهد، چیزی کمتر از خرمائی است که مرتاضی در روز می خورد می گوئید نه، به دلائل زیر بذل توجه فرمائید تا واقعیت را دریابید.

از اول سال ۷۱ حقوق من رقمی حدود ۸۰۰۰۰ ریال شده است با ۶ سر هائله، کرایه خانه نمی دهم و فقط ۲۷۰۰۰ ریال قسط بانک مسکن دارم هائله من هبارتند از یک ممرس و ۴ فرزند پسر به ستین ۲۱ ساله دانشجوی رشته شیمی کرج، ۱۹ ساله دانشجوی رشته مهندسی مواد، ۱۴ ساله در راهنمایی، و ۱۱ ساله در دبستان، صبحانه هر نفر هبارت

### فعالیت های ویدئویی آزادی شود

فرق رژیم اسلامی کوبیده و آترا وادار ساخته است که بعد از سالها مقاومت، عقب بنشیند و فعالیت های ویدئویی را آزاد سازد. در سالهای اخیر گردانندگان حکومت به اقدامات وسیعی دست یازیدند تا نگذارند مردم از دستگاه ویدئو استفاده کنند. مامورین حکومتی بر سر هر کوی و برزن می ریختند، مغازه ها، خانه، مبادی خروجی و ورودی کشور را کنترل و بازرسی میکردند تا مانع ورود ویدئو و نوارهای آن بدخل کشور شوند. اما حکومت در این زمینه شکست سختی خورد. با وجود اینکه مامورین حکومتی همه روزه تعداد زیادی دستگاه ویدئو و نوارهای آن را کشف میکردند ولی بنا به اعتراف سران رژیم در اکثر خانه ها دستگاه ویدئو وجود دارد و "نوارهای ممنوعه" دست بدست میگردد. در این میان تنها سر حکومت بی کلاه می ماند و نمی توانست از این وسیله بسود خود بهره برداری کند.

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و اظهارات وزیر ارشاد نشان میدهد که رژیم اسلامی تصمیم گرفته است این وسیله را بخدمت اهداف خود درآورد و ورود برنامه های تصویری، تولید و تکثیر نوارهای ویدئویی، خرید و فروش و اجاره آنرا تحت کنترل گیرد و اجازه توزیع نوارهایی را بدهد که از تیغ سانسور رژیم گذشته باشد. اما از هم اکنون معلوم است که رژیم اسلامی نخواهد توانست بر تولید، تکثیر و توزیع نوارها کنترل داشته باشد و بار دیگر هجز خود در برابر "معجزه" ویدئو را به نمایش خواهد گذاشت.

سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد که فعالیت های ویدئویی آزاد شود. بگفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از مشخص شدن شبکه های توزیع، تولید و خرید و فروش نوارهای ویدئویی و پیاده شده آئین نامه های ویدئویی، کلیه فعالیت های ویدئویی از نیمه دوم سال آینده در کشور آزاد شده و کلیه این فعالیت ها با شرایط خاص در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت و نظارت بر این امر بر عهده این وزارت خواهد بود.

لاریجانی اظهار داشت که شورای عالی فرهنگی مواد زیر را به تصویب رسانده است: ۱- ورود برنامه های تصویری در قالب ویدئو و نظایر آن از خارج از کشور منوط به اجازه وزارت ارشاد می باشد به جز نیازهای صدا و سیما.

۲- تولید و تکثیر نوارهای ویدئویی و نظایر آن فقط با اجازه وزارت ارشاد صورت می گیرد. ۳- خرید و فروش و اجاره نوارهای ویدئویی فقط توسط مراکز که از طرف وزارت ارشاد مجوز داشته باشند انجام پذیر است. بگفته وزیر فرهنگ و ارشاد، مراکز فرهنگی و هنری مساجد و سالن هایی که گنجایش در حدود ۳۶۰ متر مربع و ظرفیت ۶۰ نفر برای تماشاگر راداشته باشند برای انجام فعالیت های ویدئویی در اولویت قرار دارند.

بنا بر اظهار لاریجانی حدود ۵۰۰ میلیون تومان برای تولید فیلم های سینمایی و ویدئویی در سال آینده اختصاص یافته است. مصوبه شورای عالی فرهنگی نشان می دهد که واقعیت های سر سخت دنیای امروز باردیگر بر

### سال نو

شد سال نو که زمزمه تازه سر کنم  
آن سال را که کهنه شده، از بدردر کنم  
بشبینم و موبخووم در کنار جوی  
قارون نیم که خرج از این بیشتر کنم  
طالع اگر مدد کند امسال، زیر چشم  
بر سبب و پرتقال و گلابی نظر کنم  
مردم لباس تازه ببوشند روز عید  
من در عوض لباس قناعت به بر کنم  
خواهد هیال من گل سر شور و بهر پول  
ماتم گرفته ام که چه خاکی به سر کنم!  
طلطم کند چو فیل مقوی آرزو  
او را به ریشخند ادیبانه خر کنم  
یک نصفه پرتقال به دستم اگر رسد  
بر آن سرم که دهوی شق القمر کنم  
این دیگر را که هیچ ندیدم در آن غذا  
بر خیزم و میان بخاری دمر کنم  
این سفره را که هیچ ندیده است رنگ نان  
بشکافم و برای کتم آستر کنم  
بی پول، هشق بازی مخلص حماقت است  
باید ز دیدن رخ خوبان حذر کنم  
موجر ز خانه در شب هیدم برون نکند  
"چندان امان نداده که شب راسمر کنم"

"بوتراب جلی"

برگرفته از "گل آقا"

### تظاهرات دانشجویی

به گزارش رسانه‌های میگانی تهران، دانشجویان دانشکده دندانپزشکی و دانشگاه علوم پزشکی تبریز در اعتراض به سیاستهای آموزشی رژیم کلاسه‌ای درس را تحریم کردند. این اعتراض در روزهای پایانی سال گذشته رخ داد. دانشجویان به کمبود استاد و مربی و نبود فضای آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی، عدم پرداخت کمک هزینه‌های دانشجویی و نارسایی در برنامه‌ریزی آموزشی اعتراض کرده‌اند. بنا به یک گزارش دیگر که در نشریه "آب‌زور" چاپ لندن منتشر شده است، در تهران نیز گروهی از دانشجویان در حوالی دانشگاه تهران دست به تظاهرات زده و عکس‌های رهبران جمهوری اسلامی را به آتش کشیده‌اند. به گزارش این روزنامه پاسداران به سرکوب تظاهرات دانشجویان اقدام کرده و حدود ۹۵ نفر را دستگیر کرده‌اند.

### نشریه گردون دوباره منتشر می‌شود

دادگاه کیفری شماره یک تهران، حکم صادره از سوی شعبه ۱۳۵ کیفری یک تهران در مورد تیرنه عباس معرفتی سردبیر نشریه "گردون" را مورد تأیید قرار داد. دادگاه پس از محاکمه عباس معرفتی در حضور هیئت منصفه مطبوعات، در ۱۸ آذرماه سال گذشته برای اولیه خودمبنی بر تیرنه‌وی صحت گذاشت. نشریه گردون یکی از نخستین قربانیان تهاجم حزب الله به مطبوعات دگراندیش بود. این نشریه به اتهام چاپ طرحی که توهمین به ارزشهای انقلاب اسلامی نامیده شد، توقیف گردید. اخیراً عباس معرفتی پس از آنکه بطور قطعی از اتهامات حزب الله تبرئه شد، اعلام کرد که نشریه گردون را دوباره منتشر خواهد کرد.

### درگیری در مراسم چهارشنبه سوری

مراسم چهارشنبه سوری امسال در تهران با گسترده‌گی چشمگیری برگزار شد. مردم به ویژه جوانان بطور دسته جمعی و در گروه‌های پرجمعیت به پریدن از آتش و برگزاری سایر مراسم مربوط به چهارشنبه سوری در خیابانها و معابر عمومی پرداختند. این مراسم با توجه به مخالفت‌های رژیم و حساسیت‌های آن، به یک نمایش سمبلیک اعتراضی بدل شد و تا بدانجا گسترش یافت که به دخالت پاسداران انجامید. پاسداران تدریجاً برگزارکنندگان مراسم را به محاصره در آوردند و در صدد برهم زدن مراسم آنان برآمدند. اقدامات تعرضی پاسداران در برخی از نقاط تهران به مقاومت و درگیری انجامید. بنا به گزارش‌های رسیده از تهران، پاسداران و مأموران انتظامی در جریان این درگیریها تعداد زیادی از مردم را دستگیر کردند.

### از میان رویدادها

### کلاهبرداری شرکتهای مزاربه‌ای ادامه دارد

۲ تن از اعضای هیئت مدیره شرکت مزاربه‌ای "گلپایگانی"، توسط طلبکاران خود مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و مجروح شدند. روابط عمومی دادسرای عمومی تهران ضمن اعلام این خبر افزود: شرکت مذکور با وعده‌های واهی مدتی است که طلبکاران خود را سرگردان نموده است. این شرکت با وعده واگذاری مینی‌بوس به متقاضیان، مبلغ قابل توجهی از آنها اخذ کرده و پس از مدت‌ها وعده دادن از انجام تعهدات خود و یا باز پس دادن مبلغ دریافتی خودداری کرده است. تجار بزرگ از طریق این گونه شرکتهای مزاربه‌ای تاکنون سودهای بی‌شماری که چپاول آشکار مردم است به جیب زدند و رژیم نیز علیرغم مباحث بسیار مبنی بر مبارزه با این گونه شرکتهای دست‌اندرکار آنها، مختلف برای ادامه فارت مردم باز گذاشته است. قابل ذکر است که علیرغم دستگیری مصطفی نظری گلپایگانی یکی از اعضای هیئت مدیره این شرکت در ۴ ماه پیش، شرکت مذکور همچنان به فعالیت خود ادامه داده و حتی به تبلیغ وسیع جهت جلب پولهای مردم دست زده است. تنها پس از حمله طلبکاران به اعضای هیئت مدیره، دادسرای تهران اقدام به جلوگیری از ادامه فعالیت این شرکت کرد.

### رهبران مجاهدین افغانی در تهران



رهبران مجاهدین افغانی، به دنبال دستیابی به توافقنامه جدید صلح، روز ۲۲ اسفند وارد تهران شدند و مذاکراتی با مقامات حکومت اسلامی انجام دادند. همه رهبران صاحب نفوذ مجاهدین، از جمله برهان الدین ربانی رئیس‌جمهور آن کشور و گلبدین حکمت یار نخست‌وزیر جدید، دو رقیب عمده، همچنین هیئتی از پاکستان به ریاست نواز شریف نخست‌وزیر آن کشور و هیئتی از عربستان سعودی نیز در مذاکرات تهران شرکت کردند. سفر مقامات افغانی به تهران، به دنبال سفر دسته‌جمعی آنها به عربستان سعودی صورت گرفت. گفتگوها و توافق‌های اصلی مقامات افغانی، در پاکستان و به میانجی‌گری این کشور صورت گرفت و سفر آنها به مکه و تهران، بیشتر جنبه سمبولیک داشت و تأکیدی بر حمایت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی از توافق‌های جدید تلقی شد.

### منابع طبیعی کشور روبه نابودی است

منابع طبیعی کشور با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال نابودی و تخریب است. مهندس اکبر اطهری مدیر کل منابع طبیعی استان آذربایجان غربی ضمن اعلام این مطلب گفت: سالانه ۳۱۵ هزار هکتار از جنگلهای کشور دستخوش تخریب و نابودی می‌شود. این در حالی است که میزان جنگل‌کاری در کشور بسیار ناچیز است و مطابق آمارهای رسمی در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۶ یعنی نزدیک به ۳۰ سال جمعا ۱۱۵ هزار هکتار جنگل کاری صورت گرفته است. به گفته وی در هر ثانیه ۳۰۰ متر مربع به سطح کویرهای کشور اضافه می‌شود بطوریکه حتی در استان آذربایجان غربی نیز که یکی از استانهای پرآب و سرسبز کشور به شمار می‌رود زمینه ایجاد مناطق شبنمای روان به وجود آمده است. مهندس اطهری، عدم تعادل ظرفیت مرتع و دام، توسعه بی‌رویه کشت دایم، بهره‌برداری بیش از حد از مراتع، کمبود سوخت فسیلی و عدم آگاهی عامه از نقش منابع طبیعی را از جمله عوامل موثر نابودی جنگلها و مراتع نامید.

### خطر سیل همچنان تهدیدکننده است

مهندس زرگر رئیس ستاد حوادث غیر مترقبه کشور اعلام کرد: خطر جاری شدن سیل در مناطق جنوبی کشور تا خردادماه سال جاری همچنان وجود خواهد داشت. وی علت این خطر را از بین رفتن بسیاری از سیل‌بندها در جریان سیل زمستان گذشته قلمداد کرد و گفت: بروز سیلابهای پیاپی در جنوب کشور علاوه بر خسارات فراوان، امکانات مهار این پدیده با استفاده از سیل بند و پوششهای گیاهی را از بین برده است. مهندس زرگر خسارات بارندگی‌های زمستانی امسال در مناطق جنوب کشور را بیش از ۵۵۰ میلیارد ریال ذکر کرد.

### ساعت رسمی کشور جلو کشیده شد

ساعت رسمی کشور از ساعت ۲۴ روز اول فروردین ماه سال ۱۳۷۲ یک ساعت به جلو کشیده شد. تغییر ساعت رسمی کشور در روز اول فروردین ماه، بنا بر مصوبه ۲۳ مردادماه سال ۱۳۷۰ هیات وزیران صورت می‌گیرد. مطابق این مصوبه در ساعت ۲۴ روز سیام شهریور ماه ساعتها مجدداً به حالت سابق برمی‌گردد. تغییر ساعت رسمی در اکثر کشورها امر معمولی است و به خاطر صرفه‌جویی در سوخت و ذخیره انرژی صورت می‌گیرد. این اقدام در جمهوری اسلامی به دلیل برهم خوردن انطباق وقت رسمی با وقت شرعی تا مدت‌ها ممنوع بود و هنوز هم مورد مخالفت برخی از روحانیون قرار دارد.

### مکالمات تلفنی و اقامت در هتلها گران شد

در آستانه سال نو، بهای برخی از کالاها و خدمات مجدداً گران شد. روابط عمومی وزارت پست و تلگراف و تلفن اعلام کرد که نرخ مکالمات تلفنی از اول فروردین یک ریال افزایش یافته است. در کلیه مراکز تهران، نرخ مکالمات شهری بر اساس هر سه دقیقه یک "پالس" محاسبه می‌شود. نرخ هر "پالس" قبل ۷ ریال بود و اکنون به ۸ ریال افزایش یافته است. امور سیاحتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز نرخ هتلها را از روز ۲۳ اسفند به میزان قابل توجهی افزایش داد. نرخ هتلهای یک، دو و سه و چهار ستاره هر یک به میزان ۵۰ درصد و نرخ هتلهای ۵ ستاره به میزان ۱۱۰ درصد افزایش یافته است. بر اساس نرخهای جدید قیمت یک شب اقامت در یک اتاق ۲ تخته دارای حمام در هتلهای یک تا ۵ ستاره بین ۶۹۰ تومان تا ۴ هزار تومان تعیین شده است. افزایش دوباره نرخ هتلها در فاصله‌ای در حدود ۶ ماه صورت گرفته است. در اوایل تابستان گذشته قیمت اقامت در هتلها به میزان ۳ برابر افزایش یافته بود.

### ۳۰ درصد تورم

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی متوسط شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ۹ ماهه اول سال ۱۳۷۱، ۳۰/۵ درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل افزایش داشته است. مطابق آمارهای منتشره شاخص بهای عمده فروشی کالاها در آذرماه سال ۱۳۷۱ به رقم ۶۲۷/۵ رسید. در آذرماه سال ۱۳۷۱ شاخص بهای گروه مواد خوراکی ۳۰/۲ درصد، گروه مصنوعات بر حسب مواد اولیه ۳۰/۴ درصد، گروه ماشین آلات و وسایل نقلیه ۵۶ درصد، گروه محصولات کشاورزی و دامپروری ۱۹ درصد و گروه مصالح ساختمانی ۴۷/۱ درصد بالاتر از رقم شاخص ماه مشابه سال قبل بوده است. کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی میکنند که میزان تورم در سال جدید افزایش‌یاز هم بیشتری یابد.

### پیرامون خبر انفجار بمب در خانه خامنه‌ای

در ۲۶ اسفندماه گذشته خبر انفجار یک بمب در دفتر هلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، توسط خبرگزاری‌های خارجی مخابره شد. گزارش‌های اولیه حاکی از آن بود که در این انفجار ۲۰ تن جان خود را از دست داده‌اند و خامنه‌ای نیز مجروح و احتمالاً کشته شده است. چند ساعت پس از انتشار این خبر وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و پلیس تهران وقوع چنین انفجاری را تکذیب کردند. یک روز بعد خامنه‌ای در یک مصاحبه رادیویی شرکت کرد و سخنان جمهوری اسلامی نیز در بخش خبری شب همان روز تصویری را پخش نمود. باین حال سازمان بایک خرم‌دین که مدعی فعالیت‌های مسلحانه ضد رژیم در ایران است، در روز ۲۷ اسفند با صدور اطلاعیه‌ای مسئولیت انفجار فوق را بر عهده گرفت. این سازمان در اطلاعیه دیگری به تاریخ ۷ فروردین ماه، اعلام کرد که در جریان این بمب‌گذاری دو تن از عوامل کشته شده‌اند. اسامی این دو تن سرگرد پاسدار صادق موسویان از فرماندهان یگان حفاظت متر خامنه‌ای و برادر سفیر جمهوری اسلامی در آلمان و ستوان دوم پاسدار ناصری اعلام شد.

### قطع روابط زامبیا با جمهوری اسلامی

در روزهای پایانی سال گذشته کشور آفریقای زامبیا روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را قطع کرد. زامبیا دلیل این اقدام خود را دخالت جمهوری اسلامی در کودتای نافرجام اخیر این کشور ذکر کرد. وزارت خارجه زامبیا جمهوری اسلامی و عراق را به دست داشتن در کودتایی که توسط حزب استقلال ملی متحد برای براندازی دولت زامبیا صورت گرفت متهم کرد و دیپلماتهای دو کشور مذکور را اخراج نمود. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اقدام دولت زامبیا را اقدامی همجولانه نامید و اتهامات دولت این کشور را تکذیب کرد. وی مدعی شد زامبیا روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی را به تحریک و خواست کشورهای غربی و ارگانهای پولی بین‌المللی قطع کرده است.

### اردوی تدارکاتی تیم ملی فوتبال در آلمان

اردوی تدارکاتی تیم ملی فوتبال در آلمان پس از شکست سنگین تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات قهرمانی آسیا، قرار است اقدامات بیشتری برای آماده‌سازی این تیم جهت شرکت در مسابقات جام جهانی سال ۱۹۹۴ صورت گیرد. یکی از این اقدامات، برپایی اردوی تیم ملی در کشور آلمان خواهد بود. تیم ایران قرار است در برنامه‌های یکی از بهترین مجموعه‌های آموزشی موجود جهان در آلمان که برای آمادگی تیم‌های معتبر دنیا فعالیت می‌کند، شرکت ورزد. هزینه سفر تدارکاتی تیم ملی به آلمان ۲۰۰ هزار مارک خواهد بود، که سفارت جمهوری اسلامی در بن آترا تامین خواهد کرد. قرار بود تیم ایران در ماه جاری اردوی خود در آلمان را آغاز کند، اما به‌دلیل هلی پروین سر مربی تیم ملی بدلیل انجام مسابقه برگشت تیم‌های پیروزی تهران و نیشان ژاپن که قرار است در چهارچوب مسابقات حذفی باشگاههای آسیا در ۲۷ فروردین در تهران صورت گیرد، اردوی تدارکاتی تیم ملی به تعویق افتاده است.



## راه خارا این سینمای ایران

نرخ شدن قیمت ارز و افزایش قیمت تمامی مواد مورد نیاز سینما، سال آتی را برای سینمای ایران باز هم دشوارتر و بحرانی تر خواهند کرد.

برای آشنایی با برخی از جنبه‌های وضعیت کنونی سینمای ایران جادار که بخشی از نظرات چند تن از صاحب نظران و دست اندرکاران سینما نسبت به جشنواره فیلم فجر را برای خوانندگان گرامی نقل کنیم.

«در جشنواره نم، با نوبت عاشقی» و «نقش عشق»، در «مسئله عشق»، «کوچه‌های عشق»، «عشق در سینمای ایران می‌شکند و جشنواره را تسخیر میکند، اما در جشنواره دهم و بویژه در جشنواره یازدهم عشق قایب است.

بر سر عشق چه آمده است که چنین مطرود و چون موضوعی ممنوع از سینمای ما رخت بر بسته است و مشتاقان را چه شده که انگار حکایت عشق با سینما و سینما با عشق بیگانه است؟ هنر بیانگر جامعه است اما فیلم‌های جشنواره یازدهم چنان از عشق دور است که گویی عشق که شکوفایی آدمی است یکسره در جامعه ما ناپدید شده است. در جشنواره یازدهم، سینمای اندیشه و تفکر نیز جای چندانی ندارد. حکایت سینمای ما انگار همان حکایت قهرمان فیلم «هنرپیشه» ساخته محسن مخملباف است، هنرپیشه‌ای که، آرزو دارد فقط در فیلم‌های هنری بازی کند اما زندگی و ضرورت‌های موقعیت او را به بازی در فیلم‌های تجاری می‌کشد. انگار سینمای ما نیز همان تجربه «عبدی» در هنرپیشه را تکرار می‌کند. چه بر سر سینمای ما آمده است که کسی را دیگر سودای خلق یک اثر هنرمندانه و اندیشمندانه نیست؟

از نخستین جشنواره فیلم فجر تا دهمین جشنواره، سینمای ایران با همه مشکلات هر سال گامی به جلو برداشت اما انگار و به رغم تلاش‌ها دستی پنهان در کار است تا سینمای ایران را سالها به عقب ببرد. امرهای فشار گروه‌های گوناگون در کار است؟ دست اندرکاران این سینما دستاوردهای آن را رها کرده‌اند و به ضرورتها تن داده‌اند؟ سینماگران خلاق ما را هم نان و آرد کرده است تا هر چه اندیشه و هنر را رها کنند؟ چرا در یازدهمین جشنواره فیلم فجر ناصرتقوایی قایب است و بهرام بیضایی را برای اجازه اکران «مسافران» چنان آزرده‌اند که انگار با قطع شاخ و برگ‌های این درخت پر بار قصد برکندن ریشه‌ها را دارند؟ ... چرا عباس کیارستمی و هلی‌حاجتی در جشنواره حضور ندارند؟ «شبهای زاینده رود» و «نوبت عاشقی» مخملباف و «بانوی» مهرجویی در انبارها می‌مانند تا بیوسند و گروه‌های فشار نیز آنچه می‌خواهند و می‌توانند می‌کنند تا فضا را بر کارگردانان خلاق ما تنگ کنند و نتیجه آنکه ملودرام‌های سبک و یک مشت تصاویر متحرک ساده و خالی از اندیشه، سینمای ایران را تسخیر می‌کنند. «جیب‌برها به بهشت نمی‌روند»، «هروس»، «دو نفر و نصی»، «فانی»، «دیدار در استانبول» و «دما» تصویر بی‌مایه و خالی از اندیشه دیگر که با حمایت‌های گوناگون اکران را می‌گیرند، خروش می‌کنند و باز هم ساخته می‌شوند. بی‌تردید دلسوختگان سینمای ایران خواهان چنین سرنوشتی

یکی از اهداف جشنواره فیلم فجر که هر سال با هزینه بسیار برگزار می‌شود، آن است که «هنر پروری» رژیم جمهوری اسلامی را به رخ کشد و تا حد ممکن کار کرد تبلیغ‌گرانه سینماگران در خطر رژیم را تایید و تکریم کند. گرچه جشنواره نسبت به سالهای اول فعالیت خود تا حدودی از این آماج فاصله گرفته، اما هنوز هم به اعتبار دیدگاه و بینش بخشی از اعضای هیئت داوران آن از این سیاست وانبریده و کم و بیش آن را تعقیب می‌کند. در این میان اما تعدادی از فیلم‌های فیلمسازان مستقل و برجسته کشور نیز هر سال به این جشنواره راه می‌یابند و بدینسان از جنبه تبلیغی آن برای رژیم تا حدودی کاسته می‌شود. بر این پایه می‌توان گفت که جشنواره فجر به اعتبار فیلم‌هایی که در آن به نمایش درمی‌آیند تا حدودی باز تاب دهنده پیشرفت‌ها، بحرانا و تنگناهای سینمای ایران است.

در بخش فیلم‌های خارجی جشنواره اغلب آثار دهه‌های پیشین سینمای جهان به نمایش درمی‌آیند و معمولاً از آخرین ساخته‌های با ارزش سینمایی در آن خبری نیست.

یازدهمین جشنواره فیلم فجر که در بهمن ماه گذشته برگزار گردید به گواهی بسیاری از ناظران از تداوم بحرانی حکایت داشت که به سبب ندانم کاری‌های مکرر مسئولین و فقدان معیارهای مشخص و مدون از یکسو و کمبود نقد و نظریات موثقاته و محرومیت سینماگران ایران از دیدن آخرین دستاوردهای هنری و تکنیکی سینمای جهان از سوی دیگر، گریبانگیر سینمای ایران شده است. کمبود سالن‌های نمایش نیز یکی دیگر از معضلات سینماگران ایران است. تعداد این سالن‌ها که در سال ۵۷ به ۴۰۰ عدد رسید، با حمله عناصر قشری و حزب‌اللهی در جریان انقلاب و آتش زدن بخشی از آنها به ۲۷۰ عدد کاهش یافت و ظرف ۱۳ سال اخیر هم هیچ گام اساسی برای افزایش آن برداشته نشده است. به دیگر سخن هم اکنون در ایران برای هر ۲۲۰ هزار نفر جمعیت تنها یک سالن سینما موجود است. بر اساس آخرین آمارها از تعداد سینماهای موجود در کشور نزدیک به ۸۰ سالن در تهران واقع شده و در هوز در استان‌هایی همچون بوشهر، کردستان و ایلام تنها یک یا دو سالن سینما بیشتر وجود ندارد. در مجموع ظرفیت کل سالن‌های سینما برای جمعیت ۶۰ میلیون ایرانی از ۱۸۰۰ تماشاچی فراتر نمی‌رود. محدودیت سالن‌های سینما موجب می‌شود که هر فیلم تنها مدت محدودی بر روی اکران بماند و از این رو سینماگران معمولاً هزینه فیلم‌های خود را هم به دست نمی‌آورند. به نوشته مجله فیلم (شماره ۱۳۷) نیمی از فیلم‌های نمایش داده شده در سال ۷۱ ضرر داده‌اند. این ضرر و زیانها سبب می‌شود که فیلمسازان برجسته و با ذوق کشور نیز برای جلب هر چه بیشتر مشتری در همان مدت محدودی که فیلمشان بر روی اکران است، از جنبه‌های هنری فیلمها بکاهد و با هنایت به گیشه به جنبه‌های سرگرم کننده و سطحی گرایش بیشتری نشان دهند.

همه این عوامل در کنار تک

## آب زیند راه را، هین که نگار می رسد

مژده دمید باغ را، بوی بهار می رسد  
چاک شده ست آسمان، قلفله ای است در جهان  
هنر و مشک می دمد، سنجق یار می رسد  
رونق باغ می رسد، چشم و چراغ می رسد  
غم به کنار می رود، مه به کنار می رسد  
باغ سلام می کند، سر و قیام می کند  
سبزه پیاده می رود، فنچه سوار می رسد

برگزیده از دیوان شمس تیریزی

## تعهد اجتماعی نویسنده و پایبندی به زبان و انگاره‌ها



کارلوس فونتنس

در اسپانیا چه میگذرد، اسپانیاییها از رویدادهای (فرهنگی) فرانسه چندان چیزی نمیدانند و فرانسویها هم از اوضاع آلمان بی خبرند. البته آمریکایی لاتین هم از این عارضه شماخودتان از مکزیکو به بونوس آیرس سفر نکنید، از کتابها و نوشته‌های تازه در آرژانتین چندان با خبر نخواهید شد. این مسئله همانگونه که گفته شد به رسانه‌های گروهی ارتباط دارد. آنها احساس کاذب دانای کل را در ما پدید می‌آورند و مادیرگر نیازی نمی‌بینیم که اطلاعات را از فضای ذهن خود بدهیم.

دی ولت: تقریباً همه نویسندگان آمریکایی لاتین از ادبیات جهان نسبت به ادبیات اروپا آگاهی بیشتری دارند. آیا این بدان معناست که شما در راه بهره‌گیری بیشتر از ادبیات همه جهان هستید و یا نوعی موضعگیری در قبال پیشینه هویت خود را به نمایش می‌گذارید؟

فونتنس: به باور من شاید بتوان آن راکشاکش ایده‌آلها نامید. در سده ۱۶ آمریکا جامعه آرمانی و ایده‌آل اروپا بود. در آن هنگام جهان نو (آمریکا) همچون ایده‌آل تکریم شده و باور عمومی بر آن بود که شاید بتوان بوسیله آن جنایات تاریخی اروپا را به فراموشی سپرد. باور به فرا رسیدن «عصر طلایی» و بازگشت دوباره انسان به «اصل ناب» خود نیز در همه جا رواج داشت. این تخیلات و آرمانها با رشد استعمارگرایی فرو پاشید و آن «اصالت ناب» به زنجیر کشیده شد. در سده نوزدهم دوباره این آرمانگرایی در میان گرفت یعنی پس از دستیابی به استقلال و نفی گذشته سرخپوستی، سیاهپوستی و اسپانیایی خود اندیشه ناکجا آباد در ما سر بر آورد. اما ترس از ایالات متحده سبب شد که رویای خود را این بار در فرانسه جستجو کنیم. بدینسان فرانسه در چشم ما سر آمد تمدن و ارزشهای روزگار شد. هنگامی که در سال ۱۸۴۲ اولین

شکل دادند.

اگر مشخصه‌های عمومی آن دوره طولانی راه هر دلیل و بهانه ممکن، فقدان تفکر و هنر، ورشکستگی فکری و هنری و فرهنگی، فقر تکنیک و زیبایی شناسی، بی سو ادی و بی هویتی نیروی انسانی، آشفتگی در سیاست‌ها و برنامه‌ها و روش‌ها و اقتصاد درهم شکسته و تحت سلطه فیلم خارجی توصیف می‌کنید چرا منصفانه و از سر مسئولیت به مشخصه‌های عمومی این دوره کوتاه و به قول خودتان درخشان اشاره نمی‌کنید؟ کار دشوار و سترگ تاسیس سینمای نوین ایران نتیجه‌اش چه بوده که امروز باید بدان بایلیم؟ پیدایی یک چهره درخشان - محسن مخملباف - و چند چهره درخور اهتتا... کیانوش هیاری، رخشان بنی اعتماد و... حتی اگر همان سینمای مبتذل پیش از انقلاب ادامه داشت، امری اجتناب ناپذیر بود.

... امید آن بود که با حضور نیروهای متخصص و هنرمند و صاحب تفکر و سواد و با درهم شکستن مضامین کلیشه‌ شده پیشین، این سینما مدام در حال تحول کیفی و «شدن» باشد، اما چندان به بهانه‌های گوناگون و طرح باید و نبایدهای مختلف اعمال سلیقه‌های شخصی و حاکم کردن رابطه به جای ضابطه و برنامه ریزی‌های نادرست و بی‌اهتتایی به کارشناسان دلسوز و مسئول، راه‌ها را بستید که اگر در میان «انپوه»، آدمهای خلاق هم وجود داشتند - که حتما دارند - پس داشتند و به دام کلیشه‌هایی افتادند که خود ابتدالی از نوع دیگر را پدید آورد.

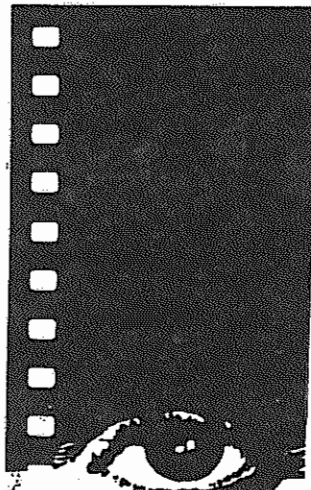
... از تدارک فرهنگی مراکز تحقیقاتی و دامن زدن به مقوله نقد با هدف بالندگی آثار می‌گویید، اما نمی‌گویید کدام مراکز تحقیقاتی را راه‌اندازی کرده‌اید و کجایند این مراکز که به چشم نمی‌آیند و اصلاً مرادتان از تدارک فرهنگی این مراکز چیست؟ کی و چه وقت به مقوله نقد توجه کرده‌اید؟ اصلاً به سالم‌ترین نقدها

اهتتایی کرده‌اید و یا پنبه در گوش کرده‌اید و گفته‌اید «بگذارید اقتدر بنویسند تا جانشان درآید؟» کدام منتقد مستعد را تربیت کرده‌اید یا امکان رشدش را فراهم کرده‌اید.

... واقعیت این است که نه پیش و نه پس از انقلاب متولیان سینمای این مملکت نخواسته‌اند و یا نتوانسته‌اند با استفاده از امکاناتی که در دسترس آنها بوده است حرکتی ایجاد کنند و به استعدادها خلاق مجال رشد دهند.

واقعیت این است که متولیان این سینما همیشه به فکر نمایش بوده‌اند و تهیه و تدوین پرونده‌ای از افتخارات (آنها) برنامه یا برنامه‌های سنجیده‌ای نداشته‌اند. ضوابط معین و قابل درکی نداشته‌اند و هر آدمی بنا بر سلیقه و پسند خود قیامی برای این سینمای بد اقبال بریده و دوخته است.

آدمهای دلسوز، عاشق سینما، وظیفه شناس، مسئول، اهل فکر و اندیشه، آشنا با حرکت‌های نو در سینمای معاصر دنیا، برنامه ریز، درد کشیده و خلاق کمتر در جمع متولیان راه داشته‌اند تا راه را بر فرصت طلبی ببندند و به پیدایی یک سینمای سالم بیاورند... (هوشنگ حسامی - همانجا، ص ۶۹)



برای این سینما نیستند.

... هنوز مساله نبود فیلمنامه‌های قوی دامنگیر سینمای ماست. هنوز مساله فضا سازی نادرست باز سنگینی است بر دوش سینمای ما. هنوز فیلمسازان خلاق ما با تنگناهای گوناگون روبرو هستند. هنوز بیضایی‌ها سردرگمند و نمیدانند چرا شش ماه پس از نمایش فیلمشان در جشنواره و ستایش از آن نیاز به اصلاحات و تجدید نظر پیش می‌آید. و هنوز بسیاری از آنها نمی‌دانند که چگونه می‌توان اکران خوب گرفت. و باز هنوز بسیاری نمیدانند که سینمای هنر و اندیشه، جایگاهی در سینمای ایران دارد یا نه؟ جشنواره باید خون تازه‌ای به کالبد سینمای ما بدمد. سینمای ما نیاز به حرف تازه دارد. حرفی برای واداشتن آدمیان به تعمق و اندیشه. سینمای ما باید چشم‌اندازهای زیبایی شناسی و تکنیک را فنی تر کند. جشنواره جهانی فیلم فجر برای سینمای ایران، سینماگرانی مولف خلق کرد، اما فضا چنان شد که آنها معطایش را بر لقاییش بخشیدند. حکایت «عبدی» در فیلم «هنرپیشه» حکایت تلخی است و درینقا که این حکایت، حکایت سینمای ماست. (آلبرت کوچویی - آدینه، شماره ۷۷ - ص ۶۵)

... می‌گویید و مدام هم که یادآوری مشخصه‌های سینمای پیش از انقلاب، وضعیت موجود را مشخص میکند، اما نمی‌گویید شاخص‌های وضعیت موجود چیست. این درست است که سینمای پیش از انقلاب در لای و لجن فرقه بوده است و بیشتر تصویر جاهلان و روسپیان و به ناچار خشونت و سکس سرآپاچرک و هفونت، اما در همان سینمای بی‌در و پیکر بود که چهره‌های شاخص سینمای ۶۰ ساله ما سر بلند کردند. سهراب شهید ثالث از میان همان لجن زار بود که با «طبیعت بی جان» خیز برداشت و در صف فیلمسازان خوب و قابل اهتتایی سینمای معاصر ایستاد. بهرام بیضایی از میان همان گنداب بود که با «سفر» یکی از زیباترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران، نه در اینجا که در کشورهای دیگر هم مطرح شد. داریوش مهرجویی از میان همان دنیای متعفن بود که با «گاو» و «دایره مینا» برخاست و سینمای ناشناخته ما را به قرب معرفی کرد. عباس کیارستمی، فریدون رهنما، ناصر تقوایی، ابراهیم گلستان، پرویز کیمیای، مسعود کیمیایی، امیر نادری و چندتایی دیگر از میان همان مرداب سر برکشیدند و به آنچه که «سینمای تازه ایران» (نامیده میشود)

## آیا فعالیت فرهنگی الترناتیو مبارزه سیاسی و حزبی است؟

بعروز خلیق

سیاسی برای تامین دموکراسی دست نیافته‌اند. اکنون ضعف و استحکام دموکراسی با میزان رشد و کمیت و کیفیت احزاب و سازمانهای سیاسی سنجیده میشود. تحقق آرمانها و ارزشهای انسانی با فعالیت احزاب گره خورده است. تحزب در کشور ما توسط حکام به بهانه‌های مختلف از جمله مشاجرات دستجات، ایجاد هرج و مرج در کشور، وابستگی به بیگانگان و سطح آگاهی پایین مردم کوبیده شده است. بالنتیجه فرهنگ حزبی و سنن دموکراتیک مبارزه در جامعه ارتقا نیافته است. جمهوری اسلامی حتی اجازه نمیدهد که جناح‌های شکل گرفته در درون آن بصورت حزب درآیند و نمی‌خواهد حزبی در مقابل روحانیت قدهلم کند. بنابر این باید نقش سازمانها و احزاب سیاسی را در تامین دموکراسی در کشور شناخت و با تمام نیرو در حفظ موجودیت آنها تلاش کرد. امروز که روحیه سیاست‌گریزی در بین توده و جوانان در کشور و در بین نیروهای خارج از کشور رشد یافته، طرح الترناتیو فعالیت فرهنگی بجای کار حزبی میتواند به تشدید این روندهای منفی منجر گردد.

امروز باید بدرستی جایگاه فعالیت فرهنگی را شناخت و ارزش درخور برای آن قائل شد. مطلق کردن فعالیت فرهنگی راه‌گشا نیست و به خطاهای جدی می‌انجامد. هم چنانکه ندیدن پیوند مبارزه سیاسی و فعالیت فرهنگی و درک نکردن ضرورت کار فرهنگی، ما را به کژراهه می‌برد.

امروز بجای طرد و نفی فعالیت سیاسی و حزبی، لازم است پیوند تنگاتنگ مبارزه سیاسی و فعالیت فرهنگی را دریافت و بانیروهای وسیعتری به مبارزه با دیکتاتوری روحانیت برخاست. آندونه تنها همدیگر را نفی نمیکنند، بلکه در جامعه ما با هم جوش خورده‌اند.

محدودیت‌هایی را ایجاد و برخی نشریات مستقل را به تعطیلی کشانده‌اند، در مقابل حرکت فرهنگی موانع جدی و فلج‌کننده بوجود خواهند آورد. نمی‌توان چنین حکم قاطعی را صادر کرد که واپس‌گرایان قادر به تعطیل نشریات و به حداقل رساندن فعالیت فعالین فرهنگی غیر وابسته خواهند بود. آنچه مسلم است تشویق کینه‌همیتی نسبت به روشنفکران غیر وابسته دارند و از هر فرصتی برای ضربه زدن بآنها مضایقه نمی‌کنند. آیا در چنین حالتی ما سازمانهای سیاسی و هم فعالیت فرهنگی را از دست نخواهیم داد؟

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که حرکت فرهنگی و مبارزه سیاسی هر یک نیروهای خاص خود را می‌طلبد. بخشی از نیروهای سیاسی میتوانند در حرکت فرهنگی سهمی باشند که قاعدتا نباید از آن مضایقه کنند و بالعکس بخشی از نویسندگان و هنرمندان مستقیما در فعالیت سیاسی شرکت دارند. ولی در مجموع بین نیروهای آن دو تمایزاتی وجود دارد. تعطیل جریان‌های سیاسی به منزله آن نخواهد بود که نیروهایشان به فعالیت فرهنگی رو خواهند آورد. احتمال منفل شدن بخش مهمی از نیروهای آنها بالاست. بعلاوه برای نیروهای اپوزیسیون که در خارج از کشور مستقرند، امکانات کمتری برای فعالیت فرهنگی که در داخل کشور موثر واقع شود، وجود دارد.

نفی موجودیت احزاب و سازمانهای سیاسی با هر انگیزه و اعتقادی صورت گیرد در کنگه آن به معنی پذیرش نظام دیکتاتوری است. چرا که تاکنون جوامع بشری و از جمله کشورهای پیشرفته صنعتی به ابزاری کارا تر و موثرتر از احزاب و سازمانهای

فعالیت فرهنگی بارور گشته‌اند. فعالیت سیاسی نه تنها در مقابل حرکت فرهنگی قرار ندارد بلکه دقیقا همراستا و هم‌پیوند با آن است. سمت فعالیت هر دو در حال حاضر علیه دیکتاتوری و واپس‌گرایی است. فعالیت فرهنگی علاوه بر باروری اندیشه و هواطف، به تضعیف نیروی واپس‌گرا، سانسور و گسترش آزادی بیان و مطلوب‌های یاری میرساند این اهداف را جریانهای سیاسی هم دنبال میکنند.

این واقعیت را باید پذیرفت که در شرایط کنونی به دلایل گوناگون، فعالیت فرهنگی در داخل کشور علیه استبداد موثرتر از فعالیت اپوزیسیون در خارج از کشور است. ولی نباید مسئله را مقطعی نگاه کرد و دید خود را در چارچوب شرایط امروز محدود نمود و یا بر پایه نقش موثر یکی به نفی دیگری رسید. طبقه اوضاع کشور همواره بر این منوال خواهد ماند. و در همیشه به همین پاشنه خواهد چرخید. در شرایطی که امکان فعالیت در داخل کشور برای سازمانهای سیاسی تامین گردد، نقش آنها بگونه دیگری خواهد بود و در آموغ سازمانهای سیاسی خواهند بود که بسیاری از مسائل سیاسی را رقم خواهند زد. در گذشته چنین نمونه‌هایی را داشتیم. کانون نویسندگان در مقطع همین (سال ۱۳۵۶) با برگزاری شبهای شعر نقشی بس مهم در مبارزه علیه رژیم شاه ایفا کرد. ولی در مقاطع بعدی، جریانهای سیاسی بودند که در رویدادهای سیاسی کشور نقش ایفا نمودند.

گر چه حرکت فرهنگی در جامعه ما نیرو ایجاد کرده و خفه کردن آن امر ساده‌ای نیست، ولی اگر نیروهای واپس‌گرا مواضع بیشتری را در قدرت قبضه کنند، هم چنانکه

زبان‌هایی بر کار فرهنگی وارد آورده است و نویسندگان و هنرمندان را از خلاقیت باز داشته و گاه شعار جایگزین هنر شده است. امریکه امروز بخشی از نویسندگان و هنرمندان با بهره‌گیری از آن تجربه، بشدت از این شیوه برخوردار اجتناب می‌ورزند.

نمضت فرهنگی هر چقدر ابعادش وسیعتر و همیق‌تر باشد نمی‌تواند جایگزین فعالیت سیاسی و سازمانهای سیاسی شود. در رابطه با آن دو، مسئله انتخاب مطرح نمی‌باشد که به تاییدیکی و نفی دیگری رسید. آن دو در شرایط کنونی جامعه ما لازم و ملزوم یکدیگرند.

این امر مسلمی است آنجا که سازمانهای سیاسی از درون نمضت فرهنگی فراموشی رویندویا بر یک نمضت فرهنگی تکیه دارند به جریانهای پخته، ریشه‌دار و پر توان تری تبدیل میشوند و عناصری که از بطن آن برمی‌خیزند، با فرهنگ‌ترند. پشتوانه فرهنگی برای جنبش‌های سیاسی منبع غنی است که همیشه نمضت را بارور میسازد. آیا امروز باید سازمانهای سیاسی و فعالیت سیاسی را تعطیل کرد و به امید چنان روزی نشست؟ در حالیکه آنها موجودیت دارند، از تجارب فراوانی برخوردارند و تحولات قابل توجهی را پشت سر گذاشته‌اند. با هیچ منطق و عقلی جور در نمی‌آید که در سازمانهای سیاسی سال‌دار و با تجربه را ببندیم و تنها به فعالیت فرهنگی اکتفا کنیم و در انتظار روزی بنشینیم که از بطن نمضت فرهنگی جریانهای سیاسی بر بیرون آورند. بعلاوه باید باین مسئله توجه داشت که حداقل بخشی از جریانهای موجود سیاسی از بطن حرکت‌های فرهنگی برخاسته‌اند و یا اینکه با

است. از سوی دیگر نیروهای اپوزیسیون در وضعیت پراکنده بسر می‌برند و در حال حاضر نقش چندانی در تحولات سیاسی کشور ندارند و با مشکلات زیادی روبرو هستند. این نیروها در همین حال از "مناسبات" حزبی غیر دمکراتیک" در بین سازمانهای سیاسی از جمله سازمانهای چپ لطمه دیده‌اند و از آن به نفعی حزب و حزبیته رسیده‌اند.

وضع نامطلوب اپوزیسیون و تاثیرات فزاینده حرکت فرهنگی در جامعه، زمینه را برای شکل‌گیری چنین گرایش‌های فراهم آورده است. بعلاوه روحیه سیاست‌گریزی و پرهیز از فعالیت سیاسی که در بین نیروهای خارج از کشور رواج دارد، در این امر موثر می‌باشد. شکل‌گیری این روحیه ناشی از تجربه بدفرجام انقلاب بعمن و بر باد رفتن آن همه فداکاریها و جانبازیها، شکست تاریخی تجربه "سوسیالیسم موجود" و ضربه خوردن اندیشه‌های سوسیالیستی و هم چنین مهاجرت و دوری از جامعه و مردم است. این عوامل در مجموع زمینه‌های مساعدی را برای پدیدایش چنین روحیات و افکار فراهم آورده است.

یادآوری این نکته لازم است که مبارزه سیاسی، حزبی و فعالیت فرهنگی هر یک در جامعه جایگاه ویژه خود و عملکرد معینی دارند و قلمروهای مشخص و نسبتا مستقل از هم را در بر می‌گیرند که اقدام یا جایگزینی آنها با یکدیگر نه تنها زیانبار است، بلکه امکان پذیر هم نمی‌باشد. تعطیل فعالیت سیاسی و احزاب و محول کردن وظایف آنها به فعالیت فرهنگی موجب میشود که فعالیت فرهنگی بشدت سیاسی شود و از انجام وظایف و رسالت خود باز ماند. آن چیزی که در گذشته بارها تجربه شده و

اهمیت فعالیت فرهنگی در کشور ما و نقش کارساز آن در تحولات جامعه ما امری است مسلح و انکارناپذیر. اما این موضوع توسط بخشی از نیروهای خارج از کشور از جمله عده‌ای از فعالین سابق سازمانهای سیاسی آنچنان برجسته میشود که به نفعی تشکل حزبی و در مواردی فعالیت سیاسی می‌انجامد. این موضوع از جانب آنها نه بعنوان تصمیم فردی مبنی بر انصراف از فعالیت حزب و کار سیاسی، بلکه بعنوان خطمشی فعالیت نیروها طرح میشود. به نظر آنان فعالیت سیاسی و حزبی به بن بست رسیده و دوران آن در شرایط فعلی جامعه ما بسر آمده است. صاحبان این فکریکی از همل بحران در جنبش چپ و سازمانهای سیاسی کشور را در سازمان‌یابی آنها بصورت حزبی و در تمرکز فعالیتشان روی مسائل سیاسی میدانند. بنظر آنان راه خروج از بن بست و غلبه بر بحران، رو آوردن به فعالیت فرهنگی است.

این دیدگاه فعالیت فرهنگی را نه به مثابه امری ضرور و مبرم برای جامعه و جنبش دموکراتیک ایران، بلکه اساسا الترناتیو فعالیت سیاسی و کار حزبی در شرایط کنونی تلقی میکند و برخی از حاملین این دیدگاه معتقدند سازمانهای سیاسی مطلوب از بطن جنبش فرهنگی فرا خواهد روئید.

هواملی چند در شکل‌گیری این دیدگاه نقش داشته است که یکی از آنها، حرکت فرهنگی نویسندگان و هنرمندان مستقلی در داخل کشور و تاثیرات آن بر حیات فرهنگی و سیاسی کشور است. حرکت فرهنگی در بین بخشی از نیروهای خارج از کشور جذبه زیادی آفریده است. تعداد زیادی از نشریات مستقل در خارج از کشور بفروش میرسند. مطالعه این نشریات و تاثیرات فزاینده حرکت فرهنگی در داخل کشور، شیفتگی و گاه شور زایدالوصفی در بین این نیروها بوجود آورده

## نقدی بر مقاله "مناسبات کشور ما باید با امریکابهبود یابد"

اگر نویسنده مقاله فوق مدعی این است که رابطه حسنه با امریکا در آینده ممکن است گشایش در فضای سیاسی ایران ایجاد کند، لازم است، توجه ایشان را به کشورهای هری که رابطه بسیار نیکی با امریکادارند جلب کنیم. آیا این کشورها برای داشتن رابطه خوب با امریکا مجبور به رابطه قواعد دموکراسی هستند؟ نگاهی به کشور عراق و مردم فوطهور در فقر و گرسنگی این کشور باید کمی ما را بخود آورده باشد. در گذشته رژیم این کشور، روابط نزدیکی هم با شرق و هم با غرب داشته و از همه امکانات موجود در جهان استفاده می‌کرد. امروزه رژیم ضد مردمی این کشور در ده سال جنگ با ایران و حمله به کویت، دهها سال کار و ثروت مردم را به باد داد. تا زمانی که نفت و مواد خام دیگر بدون اشکال و به ارزانترین قیمت ممکن به دست کمپانیهای غربی می‌رسد، دول غربی هیچ الزامی برای آوردن فشار و دگرگونی برای کشورهای نظیر کشور ما، نخواهند داشت. سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندد. نفت و دیگر مواد خام از خیر سر جمهوری اسلامی و کشورهای هری، بصورت ارزان و فراوان واگذار می‌شود. مرض که ندارد امیر کویت را زیر فشار بگذارد که چهارتا فلسطینی را نکشد. ویا چوب توی لانه زنبور کنند و ادامه در صفحه ۸

کل رابطه خوبی با اردوگاه سوسیالیست (سابق) داشت. نتیجه این رابطه نه تنها به استقلال اقتصادی نینجامید، بلکه باعث کسارت شدن جنگ و ویرانی هرچه بیشتر کشور نیز گشت. این رابطه در صورت حکومت عقل سلیم و دولتی متکی به مردم، شاید می‌توانست منافع نصیب ملت و کشور کند، اما درد اینجاست که ما این را زمانی می‌خواستیم که عقل سلیم بر کشور ما حاکم نبود و جاهلان اسلامی ارکان را در دست داشتند، حالا که ورق برگشت و لاشه اردوگاه (سوسیالیسم) به وسیله گرگان امپریالیسم از هم دریده شد، ما هم پرچم هوش گردیم و خواستار رابطه کشورمان با جناح اهلی امپریالیست شدیم، تا این رابطه، سرمایه‌های بلوکه شده کشور را بازگرداند. این سرمایه‌ها را باز گرداند تا با آن زیردریایی جدید بخزند و ناوگان هوایی خود را تکمیل کنند، تروریستهای خود را به سلاحهای مدرنتر مجهز کنند، جایزه قتل سلمان رشدی را بالاتر ببرند، اشرار طرفدار خود را در لبنان، الجزایر و سایر کشورهای هری افزایش دهند و هزاران معامله پشت پرده و از همه این ولخرچی‌ها اگر کمی هم ماند، خرج ملت پابرنه ما کنند.

اسلحه بودیم و با همین رژیم می‌جنگیدیم، زمان دیگری بود. در آن دوران هزاران نفر با اعتماد کامل و با هشق و امید دنبال فتوای رهبران می‌رفتند. پیچیدن نسخه‌های آنچنانی و وفور اشتباهات رهبری، شکست انقلاب، بهمن و تغییرات جدی در جهان، موجب بیتابی چشمان بسیاری گشت. امروز از نامی پذیرنده که با چند سطر چیز ی را که تا دیروز سیاه می‌پنداشتیم، سفید معرفی کنیم. اگر تا دیروز سیاه بود، چرا بود؟ و اگر امروز سفید است، چرا است؟ نواندیشی یعنی درک این مطلب که نه تنها گذشته اشتباه آمیز را رد کنیم، بلکه مثل گذشته نیز عمل نکنیم و گرنه تنها انتقاد از گذشته و ادامه همان شیوه به تغییر نمی‌انجامد.

این حقیقتی است که مناسبات کشور ما با امریکا باید بهبود یابد، اما واقعا ممکن است این بهبود روابط تا زمانی که حکومت جهل اسلامی بر ایران حاکم است، نفی رانیز نصیب ملت ایران کند؟ سابق بر این می‌گفتیم که رابطه با اردوگاه سوسیالیسم حتی بوسیله رژیم اسلامی می‌تواند ما را به استقلال اقتصادی برساند. خدا و کیلی جمهوری اسلامی با وجود قتل عام هواداران سوسیالیسم در داخل کشور، در

تکرار نمی‌کرد؟ چرا نمی‌گوئیم که اگر در این شعار بلاهتی در کار است، ما بیشتر از همه آن را تکرار کردیم؟ مگر دولت بازرگان را بخاطر رابطه با امریکا افشا نکردیم و به حمایت خمینی بخاطر دادن همین شعار برخواستیم؟ آقای نویسنده سرمقاله زیرکانه قصد دارد، ریگانسیم را جایگزین واژه امپریالیسم کند، ولی از گفتن اینکه امپریالیسم وارد می‌کند و این واژه را در مغموم نمی‌پذیرد، ابا دارد. حالا چرا؟ شاید به این دلیل که خوانندگان نشریه کار را به تند هوشی خود نمی‌داند و هنوز چیزهایی از گذشته و نفرت از این واژه وجود دارد و با گفتن یکباره آقای مقاله نویس که امپریالیسم کشک است، ممکن است خواننده رم کند. چاره اینکه امپریالیسم قدیمی را مسکوت و هر چه نفرت داریم بر سر ریگانسیم خالی کنیم.

قبل از اینکه مثل گذشته فکر کنیم و فتوادیم و امیدوار باشیم که هزاران نفر دنبال این فتوایمان را می‌گیرند، چشم به روی واقعیت‌ها باز کنیم. آن زمانی که با یک نوشته ده سطر رژیم خمینی را ضد امپریالیست و مترقی معرفی کردیم، در حالی که هنوز توی کردستان دست به

در پی درج محورهای اصلی مطلب انتقادی مشترک دوستان گرامی آقایان س- فرید و پژمان به سرمقاله کار شماره ۴۷ و نیز پاسخها و توضیح‌های نشریه کار در مورد این انتقادات، دو نامه جداگانه از این دوستان بدستمان رسید که در آن‌ها ما بخاطر عدم چاپ کامل نوشته‌شان انتقاد شده است. این دوستان در نامه‌های خود اصرار ورزیده‌اند که نوشته مزبور بدلیل اهمیت مطالب مطرح‌شده به طور کامل در نشریه منعکس شود. آنچه در زیر می‌آید متن کامل نوشته این دوستان است که نشریه کار قبل از باره محورهای اصلی آن توضیحات ضرور را داده است.

در روزنامه کار شماره ۴۷، ۱۱ نوامبر ۹۲ سرمقاله‌ای تحت عنوان: "مناسبات کشور ما با امریکا باید بهبود یابد" درج شده است. در این مقاله آمده است: "این نکته بدیهی روشنی است که ریگانسیم در آستانه دهه هشتاد و تحت شرایط اوضاع و احوال امریکا و جهان آن دوره پدید آمد و آنگاه بمدت ۱۲ سال بر امریکا و میاس وسیعی از جهان فرمان راند." (کار شماره ۴۷).

اگر منظور نویسنده از ریگانسیم بکارگیری سیاست زور و شانتاژ و قلدری باشد، باید گفت، این سیاست در آستانه دهه هشتاد بوجود نیامد، بلکه در هر زمانی که آتایی و برتری امریکا به خطر افتاد و یا منافع این کشور ایجاب میکرد، این سیاست به اشکال پنجان و آشکار بکار گرفته شد. در کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دولت مصدق که با شرکت و



# گزارش عملکرد شورای مرکزی سازمان

## پس از اجلاس وسیع اسفند ۷۰

گزارشی که در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد، گزارش رئیس کلی تصمیمات و فعالیت شورای مرکزی سازمان در طول یک سال گذشته است. با آنکه گزارش یکماهه پیش به شکل کاملتری در اختیار واحدهای سازمانی قرار گرفته بود، معذرت شورای مرکزی در نشست اخیری که داشت به انگیزه قرار دادن تعداد هر چه بیشتری از هلاتمندان سازمان در جریان فعالیت خود، تصمیم به انتشار آن در سطح وسیع‌تری گرفت. و اینک در اجرای همین تصمیم، متن این گزارش در اختیار خوانندگان هلاتمند قرار دارد.

### رفقای گرامی

در این گزارش کوشش شده است رؤس دیدگاهها، تصمیمات و اقدامات شورای مرکزی سازمان در مدت نزدیک به یکسال پس از برگزاری اجلاس وسیع در اسفندماه سال گذشته، در موضوعات مختلف بیان شود. این سومین گزارش فعالیت شورا پس از کنگره دوم است و اگر چه با دومین گزارش، که به اجلاس فوق‌الذکر ارائه شد، فاصله مدیدی دارد اما در خلال این مدت گزارش‌های پاره‌ای از فعالیت‌های شورا بطریق دیگری در اختیار تشکیلات قرار گرفته است. شورا امیدوار است به این ترتیب تصویر نسبتاً کاملی از فعالیت‌های خود در این مدت را به تشکیلات ارائه کرده باشد.

در گزارش حاضر، موضوعات مختلف فعالیت شورا، و آنچه مورد بررسی آن قرار گرفته است، از پس از اجلاس وسیع تا زمان گزارش به تفکیک تشریح شده‌اند.

### ۱- فعالیت سیاسی:

اجلاس وسیع اسفند ۷۰ تکمیل و تدقیق تحلیل را که شورا، زیر عنوان "گزارش سیاسی"، به آن ارائه کرده بود به شورا سپرد. شورا در نخستین جلسات خود پس از اجلاس مذکور، به این اقدام مبادرت کرد و سرانجام نتیجه کار را در "کار" شماره ۳۴ انتشار داد.

شورا، همچون پیش از اجلاس وسیع و با حرکت از این تصمیم که تحریک سیاسی را موضوع مرکزی فعالیت خود قرار دهد، پس از آن نیز کوشیده است با صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها، با رسیدگی به نیازهای نشریه کار و با بسط فعالیت‌های خود در عرصه روابط عمومی، به این مهم نایل آید. باید تاکید کنیم که محدودیت‌های حاد و فزاینده مالی دامنه عمل شورا را در این عرصه، خاصه در روابط عمومی، تنگ می‌کرده است. برگزاری انتخابات مجلس چهارم، نتایج آن، تحولات بعدی چه در دوران حاکمیت و چه در کل جامعه مویده بسیاری از نظرات مطرح شده در تحلیل فوق‌الذکر بوده‌اند. تعقیب روندها و تحولات در کشور و در جهان همچنان موضوع ثابت اجلاس‌های شورا بوده و در خلال چند اجلاس اخیر کوشش محدودی برای ارائه تحلیلی مشابه، یا جمع‌بندی از تحلیل‌های ارائه شده، صورت گرفته است. تلاش می‌شود این جمع‌بندی تهیه و در اختیار تشکیلات گذاشته شود.

نیز تعقیب تحولات روزمره و اعلام مواضع در باره عمده‌ترین این تحولات بخش دیگری از فعالیت سیاسی شورا را تشکیل می‌دهد. در فاصله مورد گزارش، بروز شورهای مردم در چندین شهر و ترور رهبران حزب دموکرات کردستان در برلین عمده‌ترین مواردی بوده‌اند که شورا صدور اطلاعیه در باره آنها را ضروری دانسته است.

در اطلاعیه به مناسبت شور شفا و بیانیه مشترکی، که در اعتراض به خشونت جمهوری اسلامی علیه این شورها، با حزب دموکراتیک مردم ایران، جمهوریخواهان ملی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران داده شد "تقرز آینه، گرانی و تورم و بی‌خانمانی" بعنوان زمینه عینی شورها خوانده شد و "محروم کردن مردم از امکان مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی کشور و عدم برخورداری آنان از حق بیان آزادانه مشکلات خود" عواملی که شور را به شکل طبیعی اعتراض تبدیل می‌کنند دانسته شده‌اند. در این اطلاعیه‌ها از خواسته‌های مردم حمایت شده است. لازم به تذکر است که در شورا، ضمن توافق بر ضرورت حمایت از خواسته‌های مردم، بر سر نحوه مشارکت‌های ممکنه در این حرکت بحث جریان داشته است.

در رابطه با واقعه برلین، شورا سیاست فعالی را پیش برد. شورا بارها سال‌نامه‌های مختلفی برای احزاب، افراد گوناگون و دعوت آنان به پیشبرد مبارزه‌ای مشترک و گسترده از هر طیف سیاسی، علیه تروریسم و نیز با شرکت در اجلاس کمیته‌هایی که به این هدف تشکیل شده‌اند و نیز در مصاحبه‌های رادیویی و مطبوعاتی کوشید این مبارزه را گامی به پیش برد. همچنین نامه‌ای به دادستان کل آلمان نوشت و در آن خواهان هلنی بودن محاکمه، اجازه شهادت کسان مختلف و... شده بود. متن این نامه در "کار" ۴۷ و پاسخ آن در "کار" ۵۰ درج شده‌اند.

در اوقاتی از جلسات شورا که به بحث سیاسی اختصاص یافته‌اند، موضوعات زیر مورد بحث قرار گرفته و نتایج حاصل از بحث‌ها در نوشته‌های نشریه "کار" انعکاس یافته‌اند: چشم اندازهای پس از انتخابات در جبهاتی همچون آرایش نیروها، امکانات سیاست‌های اقتصادی و خارجی، جنبش‌های اعتراضی مردم و جنبش فرهنگی، سیاست بازگشت، تروریسم جمهوری اسلامی، اوضاع منطقه خاصه در آسیای میانه و افغانستان، مناسبات تهدید آمیز ایران و آمریکا که در شرایط امروزی می‌تواند حامل خطراتی نیز بصورت برخورد بین آنها باشد، مناسبات ایران و دیگر کشورهای غربی، پیرامون خبر "مسکو نیوز" و...

بخش دیگری از فعالیت‌های سیاسی در مناسبات با سازمان‌های سیاسی ایرانی متجلی می‌شده است. این مناسبات امروزه از سویی گستره‌ای خاص یافته و از سوی دیگر با تنگناهایی مواجه شده که می‌کوشیم در زیر شمایی از آنها را به دست دهیم:

اجلاس وسیع با استماع گزارش کار شورا در عرصه روابط عمومی از سویی تدوین طرحی برای پیشبرد همکاریها در راستای جبهه جمهوری را از شورا خواست و از سوی دیگر به ایده شورا دایر بر این که "اولاد مقطع کنونی تلاش‌های جمع پیش‌برنده روند نزدیکی نظری - عملی چپ دموکرات باید بر انتشار یک نشریه نظری متمرکز گردد و ثانیاً اشتراک نظر در انتشار یک نشریه خبری - سیاسی چپ نباید منجر به انتشار نشریه‌ای گردد که، ولو بطور غیر مستقیم، خصلت ارگانی به خود گیرد" تمایل نشان داد و سرانجام با برابری نگرانی نسبت به بعضی نتایج احتمالی ناشی از مشارکت در تشکلهایی که سازمان‌های سیاسی در آنها رسماً نمایندگی نداشته باشند، تدوین طرح مشخصی درباره نحوه شرکت احتمالی در چنین تشکلهایی را از شورا خواست.

در چارچوب روند نزدیکی نظری - عملی چپ دموکرات: در مقطع اجلاس اسفند ۷۰، مناسبات در این چارچوب به توافق‌های مشخص و تقسیم کار برای انتشار یک نشریه نظری رسیده بود. اقداماتی نیز از جانب رفیق مسئول انتشار این نشریه، از اعضای شورا، برای گردآوری مطلب و امور تدارکاتی صورت گرفتند. اما عمل نکردن بسیاری به تعهداتی که برای تهیه مقاله کرده بودند، عملاً منجر به عدم انتشار و به نظر می‌رسد منتفی شدن آن شد.

در باره نشریه سیاسی - خبری طرحی در شورا تهیه و به جمع پیش‌برنده ارائه شد. در مراحل بعدی موضوع تامین مالی چنین نشریه‌ای و امکانات مادی و انسانی که نیروهای مشارکت کننده می‌توانند در اختیار این نشریه بگذارند مطرح شد. در شورا بر سر امکان مشارکت همین ما در امور تحریر، توزیع و انتشار، که حدود آن به میزان بسیاری وابسته به محل انتشار نشریه خواهد بود، توافق وجود داشت. اما مشکل بزرگ بر سر راه انتشار نشریه مشکل مالی است. چنین نشریه‌ای تا بتواند راه افتد و بر سر پای خود بایستد، مطابق برآوردی که از هزینه‌های لازم برای انتشار شش ماه آن شده است، نیازمند توان مالی بالایی است. اما صرف نظر از این که این نشریه سیاسی - خبری انتشار یابد یا نه، جمع پیش‌برنده توافقاتی نیز داشته است دایر بر این که: اولاً عده‌ای از میان خود را برای هماهنگی در پیشبرد بعضی فعالیت‌های سیاسی تعیین کرده است، و ثانیاً جمع مذکور در صدد است تا کنفرانسی را از هلاتمندان به این روند فرا بخواند و ادامه کار را به کنفرانس مذکور بسپارد.

آنچه که گذشت طبعاً تمام وضعیت مادر مناسبات با نیروهای چپ نیست. مناسبات با سازمان فدایی ایران و راه کارگر نیز جریان داشته است و ملاقاتی با چند تن از مسئولان راه کارگر نیز صورت گرفته است. در این ملاقات طرفین بر اصول همکاری در عرصه‌های معین توافق داشته‌اند. اما هنوز همکاری‌ای در سطح مرکزی صورت نپذیرفته است. همچنین شورا در یکی از اجلاس‌های خود رای به تجدید دیدارها با حزب توده ایران داد. تمایل به دیدار از جانب آن حزب نیز ابراز شده است، اما تا کنون دیدار و همکاری صورت نگرفته است.

افزودنی است که بررسی ایده سمتگیری وحدت با حزب دموکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران در یکی از اجلاس‌های شورا مطرح شد و شورا با سمتگیری مثبت در این باره تصمیم گرفت که "۱- روابط عمومی طرح اقدامات عملی در راستای وحدت با سازمانهای مذکور را برای ارائه به شورا و نیز به کنگره تهیه کند، ۲- و به تشکیلات اطلاع داده شود که بررسی ایده مذکور در شورا مطرح است. و شورا با توافق با این بررسی طرح‌های لازم برای ارائه به کنگره را تهیه خواهد کرد و ۳- به سازمان‌های مذکور نیز اطلاع داده شود که این بررسی در شورا مطرح است و به این ترتیب با آنان نیز در میان گذاشته شود." شورا چنین روند احتمالی را نه در تقابل بلکه در تکمیل روند نزدیکی نظری - عملی چپ دموکرات ارزیابی کرده است. نظریه صدور اطلاعیه رهبری سازمان فدائیان خلق ایران، که عملاً انحلال سازمان مذکور از آن مستفاد می‌شد و موضع شورا در قبال آن در نشریه کار درج شد، و نیز وجود ارزیابی‌های متفاوت بین ما و حزب دموکراتیک مردم ایران، موضوع به بررسی‌های بیشتری موکول شد.

در چارچوب جبهه جمهوری: گفته شد که اجلاس وسیع تدوین طرحی در زمینه همکاری‌ها در راستای ایجاد جبهه جمهوری را از شورا خواست. نخستین اجلاس شورا پس از اجلاس مذکور بر اساس طرحی که پیشتر توسط کمیسیونی از پنج سازمان: حزب دموکرات کردستان، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان ما تهیه شده بود، طرحی منصف تصویب گردید. اما مناسبات فیما بین این سازمانها و روندهایی که هر یک از این سازمانها از آن پس، و پیشتر از آن نیز طی کرده‌اند ادامه روند نزدیکی‌ها را بالکل متوقف کرده و سیر برگشت را پیش گرفته است. اگر چه این امر خللی به مناسبات سازمان با تک تک سازمانهای مذکور وارد نیاورده و مانع همکاری سیاسی فیما بین نشده است، پیش از ترور دکتر شرفکندی شورا ملاقاتی با نامبرده داشت. طی این دیدار، ضمن بررسی مناسبات ممکنه بین دو سازمان تبادل نظراتی نیز پیرامون مسئله ملی صورت گرفت که اشتراکات فراوانی در نظرات وجود داشت. بر سر صدور یک اطلاعیه مشترک پیرامون این دیدار نیز توافق شد، ولی ترور دکتر شرفکندی این امر را متوقف گذاشت.

خارج از چارچوب مناسبات فوق، سازمان مناسباتی را نیز با نهضت مقاومت ملی ایران شکل و گسترش داده است. طی دیداری که با چند تن از مسئولان نیرو و صورت گرفت بر ایجاد کمیسیونی برای پیشبرد همکاری‌های عملی و نیز بحث برای تدوین طرح یک منشور اصولی همکاری توافق شده است. قرار بر این است که هر یک از طرفین برای جلب نیروهای دیگر به همکاری‌ها مساعی خود را به کار گیرد. همچنین متعاقب نامه شورا در دعوت به مقابله با تروریسم جلسه‌ای با حزب سوسیالیستهای ایران برگزار شد. در این جلسه ضمن توافق بر سر ایجاد یک کمیته مقابله با تروریسم و تلاش مشترک در این زمینه از جانب شورا پیشنهاد تشکیل کمیسیونی برای پیشبرد همکاری‌ها و توأماً سازماندهی بحث در این باره و از جانب حزب مذکور پیشنهاد کمیسیونی فقط برای گفتگو پیرامون همکاری‌ها و اصول ناظر بر آن مطرح شد.

افزون بر این‌ها شورا در گردهمایی‌های مختلفی که با حضور نمایندگان سازمانهای مختلف به مناسبت‌های مختلف تشکیل می‌شده‌اند شرکت داشته است. شرکت در جلسات که به ابتکار "جمعیت طرفداران جبهه جمهوری" در بلژیک برگزار می‌شده‌اند، شرکت در مناظره تلویزیونی در برلین پیرامون انقلاب بهمین، شرکت در جلسات علیه تروریسم در کلن، ... مواردی از این دست‌اند. دعوت "پایگاه اتحاد برای دموکراسی" از شورا که دستور جلسه آن "بررسی راه‌های اتحاد نیروهای اپوزیسیون" اعلام شده بود و نیروهای سلطنت طلب نیز به آن دعوت شده بودند، توسط شورا پذیرفته نشد.

در خاتمه این بخش باید به تجدید فعالیت نسبی شورا در عرصه روابط بین‌المللی نیز اشاره کنیم. در خلال مدت مورد گزارش دیدارهایی با حزب کمونیست فرانسه و حزب کمونیست آلمان، صورت گرفته است. علاوه بر این در جشن نشریه او مانیت به نمایندگان از چند حزب، از جمله حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست متحده ترکیه و حزب سوسیالیست تریخوخواه الجزایر صورت گرفت. دیدار با نماینده نشریه او مانیت، دیدار با نماینده‌ای از ارگان و حزب

احیاء کمونیستی ایتالیا و مصاحبه‌ای توسط او، و شرکت در کنگره حزب کمونیست آلمان، این مجموعه را تکمیل می‌کند. در خلال این دیدارها نمایندگان سازمان کوشید. ماند توجه احزاب مذکور را به اوضاع ایران و اعمال سرکوب داخلی و خارجی توسط جمهوری اسلامی جلب کنند و خواهان حمایت آنان از مبارزات مردم ایران شده‌اند.

انجام مصاحبه‌ای با رادیو BBC، که به مناسبت سالگرد فروپاشی اتحاد شوروی با چند تن از شخصیت‌های خارجی و نیز تعدادی از احزاب ایرانی صورت گرفت، نیز مصاحبه با رادیو آمریکا به مناسبت ترور برلین، و نمونه‌های محدودتری از این دست، مکمل اقدامات سیاسی شورا بوده‌اند.

### کنگره:

در اجلاس وسیع پیشنهاد برگزاری کنگره سوم پیشتر از موعد مقرر توسط کنگره دوم، مطرح شد. رای اکثریت نسبی اجلاس به این پیشنهاد منجر به سپردن موضوع به شورا برای بررسی‌های بعدی شد. شورا در اولین و دومین نشست خود پس از اجلاس، تصمیم گرفت که باتکیه بر حق خود برای فراخواندن کنگره فوق‌العاده و با توجه به رای اکثریت نسبی اجلاس، کنگره را در اوایل سال جاری مسیحی برگزار کند. اجرای این تصمیم، که به اکثریت آرای شورا متکی بود، موکول به موافقت کلی واحدهای کشور با زمان مورد نظر گردید. نظر سنجی‌ای که از تشکیلات بعمل آمد، با تاکید بر محدودیت نظرات ارائه شده، نشان داد که در تشکیلات آمادگی و تمایل کافی برای برگزاری کنگره پیش از موعد وجود ندارد. بر پایه این استنتاج شورا از فکر برگزاری کنگره پیش از موعد منصرف شد و با آن که موافقان بر اصولیت و ضرورت کنگره سریع تاکید داشتند به روند تدارک هادی کنگره سوم رای داد. اما کمیسیونی را که برای تدارک کنگره سریع تشکیل داده بود ابقاء کرد تا تدارک کنگره هادی را پیش برد. بدنبال آن شورا دستور پیشنهادی خود به کنگره را مطابق زیر تعیین کرد:

الف - استماع گزارش‌های سیاسی و تشکیلاتی شورا و گروه‌های کار، اظهار نظر کنگره درباره آنها، ب - تصویب سند در باره راستاهای برنامه‌های یا جهات اساسی الگوی توسعه مورد نظر ما برای کشور،

ج - تصویب سند در باره موازین تنظیم مناسبات سازمانی،

د - تصویب سند در باره خط مشی سیاسی، در تکمیل و تدقیق سند کنگره دوم،

ه - تصویب سند در باره مناسبات سازمان با اپوزیسیون،

و - تصویب سند در باره وظایف ما در ارتباط با داخل کشور،

ز - انتخاب دستگاه رهبری در این چارچوب تقسیم کاری بین اعضای شورا صورت گرفته و کار تدارک سندی کنگره پیش رفته است.

تا حال حاضر طرح‌هایی در باره وظایف ما در ارتباط با داخل کشور و درباره موازین تنظیم مناسبات سازمانی در خارج کشور تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورا ارائه شده‌اند. همچنین بحث‌هایی پیرامون جهات اساسی الگوی توسعه و جهات تدقیق و تکمیل خط مشی سیاسی صورت گرفته‌اند و در حال حاضر کمیسیون‌های مربوطه این موضوعات دست‌اندر کار تدوین سندهای مربوطه‌اند. در شورا توافق بوده است که با آماده شدن هر طرح معین و ارائه آن به شورا، پس از پیشرفت معینی در بحث، در مورد ارائه آن به تشکیلات نیز تصمیم‌گیری خواهد شد. به این ترتیب تشکیلات نیز تقریباً همزمان با شورا با طرح‌های آشنایی یافته و تا تصویب آن توسط شورا برای ارائه کنگره می‌تواند نظرات خود را طرح کند و به بحث بگذارد. امید می‌رود که اتخاذ چنین روشی در همین حال متضمن انتخاب نمایندگان بر مبنای نظراتشان پیرامون اسناد پیشنهادی به کنگره نیز باشد.

طرح آئین نامه انتخابات نمایندگان کنگره نیز تهیه و برای تصویب به شورا ارائه شده است.

نکته آخر در این باره را به کتاب کنگره دوم اختصاص می‌دهیم. دشواری‌های فنی کار، تاکنون انجام کار تایپ را به تاخیری طولانی انداخته‌اند. شورا بر آن است که کتاب را با کاستن از موضوعات آن، در تیراژی محدود انتشار دهد.

گروه‌ها و موضوعات کار:

در زیر به اختصار اهم تصمیمات و اقدامات شورا را در ارتباط با هر یک از گروه‌ها و موضوعات کار می‌آوریم:



# گزارش عملکرد شورای مرکزی سازمان

ادامه از صفحه ۸

\* نشریه کار: چنان که تاکنون بارها متذکر شده ایم، شورا تمرکز فعالیت خود را بر تحرک سیاسی نموده است و به این منظور توجه خود را بیشتر معطوف به نشریه کار بعنوان ابزار اساسی این تحرک مبدول داشته است. از سویی کوشیده است با تعقیب روندهای سیاسی، و در بسیاری موارد با برگزاری بحثهای سیاسی مشترک با تحریریه کار، به تبدیل "کار" به نشریه ای زنده و با محتوا کمک کند و از سوی دیگر حواجز آن را حتی الامکان برآورد. باید تاکید کنیم که ادامه کاری نشریه کار به قیمت زحمت فراوان رفقای دست انداز کار آن، اهم از رفقای تحریریه و یا فنی، میسر شده است و بسیاری از حواجز آن هنوز همچنان باقی اند. یک اکیب استوار تحریر، تیمهای ثابت تایپ و صفحه بندی و توزیع هنوز واقعیتهای تضمین شده ای نیستند، با این حال می توان گفت که کمابیش و موقتاً تامین شده اند. این کیفیت با کار دائمی تعداد محدودی رفیق قلمزن، با تامین نیرو برای توزیع حتی از کشورهای مجاور میسر شده است. حاصل کار البته تبدیل کار به نشریه ای مورد توجه محافل سیاسی گوناگون، با افزایش تیراژ بوده است.

\* روابط عمومی: شرح کامل وضعیت در این هرصه پیشتر از نظرات گذشت. شورا در کنار نشریه، روابط عمومی را نیز ابزار مناسبی برای تحرک سیاسی تلقی می کرده است و می کوشیده است خود نیز راسا در این هرصه حضور فعالی داشته باشد. حاصل اقدامات صورت گرفته در روابط عمومی فعلاً مناسبات بالنسبه گسترده ای با سازمانهای مختلف است، که طبعاً در صورت فقدان محدودیتهای اکیدمالی می توانست فعالیت نیز باشد. در این زمینه بجاست نکته ای را متذکر شویم: روابط نسبتاً گسترده سازمان با دیگر سازمانهای سیاسی نباید این واقعیت را که در یکساله اخیر مناسبات درون اپوزیسیون، خاصه در میان نیروهای جبهه جمهوری، پیشرفتی نداشته است و این که هلیرفم برخی عناصر مثبت هنوز چشم انداز گشایش این مناسبات در کوتاه مدت برای همکاریهای متشکل و مستمر وجود ندارد، از نظر پنهان دارد. شورا با عنایت به این دشواری دستور و طرحی را به کنگره آتی پیشنهاد خواهد کرد که بتواند با نظر داشت آینده، گامهای مطمئن تری به آن سو برداشت.

\* مالی: اجلاس وسیع اسفندماه ۷۰ کار خود را در زمینه مالی با فراخوانی به تشکیلات برای کمک مالی به صندوق مرکزی خاتمه داد و در آن فراخوان بار دیگر وضع مالی را بحرانی ارزیابی کرد. سیر صعودی قاوت در پرداختها و دریافتها از آن پس نیز همچنان ادامه یافت. و تعهدات سنگینی که از قبل باقی اند، این بار را سنگینتر کرده اند.

این وضعیت شورا را به چاره اندیشی واداشت، اما فقدان امکانات بیرونی و نیز اندوخته برای سرمایه گذاری، چاره ای جز اتکا به تشکیلات را فراهم نمی آورد. شورا با تقسیم کشورها و تعدادی از رفاقت در بین اعضا، خود مسئولیت درخواست کمک مالی، چه به صورت کمک بلاعوض و چه بصورت وام، را به آنان سپرد. حاصل مراجعات تاکنون مبالغی بوده است که در گزارش مالی به کنگره منعکس خواهد گردید. علاوه بر این رفاقتی تعهد خرید وسایل مورد نیاز طرح تایپ راه دور را کرده اند.

همچنین شورا با استقبال از فکر اتوماتیک کردن پرداخت هزینه ها، بررسی این اقدام را به گروه کار خارج کشور سپرد. در اجلاسی با تعدادی از مسئولان کشورها، جمله آنان این اقدام راهملى و تا حدودی موجب انتظام وضع مالی ارزیابی کردند. شورا به سهم خود از رفاقت شکر می کند. تواما نظر همگی رفاقت را به این نکته جلب می کند که مبالغ جمع آوری شده هنوز کفاف سرمایه گذاری مد نظر را نمی دهد و شورا برای جلب کمکهای بیشتر به تلاشهای خود ادامه خواهد داد. با این احوال چاره اندیشی های

اساسی تری برای معار بحران مالی هنوز ضروری اند. \* داخل: موضوع وظایف مادر قبال داخل و نقش ممکنه تشکیلات خارج در این باره، در سه اجلاس از اجلاسهای شورا، پس از اجلاس وسیع، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. طرحی، شامل جغات فوق، که پیشتر تهیه شده و رئوس آن با اجلاس وسیع در میان گذاشته شده بود تکمیل شده و بخشهایی از آن نیز، که متوجه وظایف تشکیلات خارج کشور در قبال داخل می شود، از تصویب گذشته اند. شورا در نظر دارد طرح وظایف مادر قبال داخل را پس از تصویب به کنگره سوم ارائه دهد.

\* مساله فراخوان اجلاس وسیع دیگری، چنان که کنگره دوم پیش بینی کرده بود، بهنگام تصمیم گیری در مورد کنگره فوق العاده، برای شورا مطرح شد. برگزاری کنگره پیش از موعد چنین اجلاسی را اساساً منتفی می کرد، اما با منتفی شدن کنگره مذکور نیز شورا بر آن قرار گرفت که دیگر اجلاس مشابهی را فرا نخواند. چنین اجلاسی می توانست موجب هزینه های سنگینی شود بدون این که، بلاحاظ تعریف حقوقی که کنگره از آن کرده بود، از ادامه مشورت در پیشبرد فعالیتها بتواند فراتر رود. شورا مناسبت دید که به عوض آن، خود سفرهایی را به تعدادی از کشورهای صورت دهد. به این ترتیب امکان دیدار با تعداد وسیعی از رفقای تشکیلات میسر می شد و در هزینه ها نیز صرفه جویی می گردید. در نتیجه سفرهایی به چندین کشور و تعدادی از شهرهای آلمان صورت گرفت.

همچنین شورا با پیشنهاد گروه کار خارج کشور دایر بر شروع زودتر کار تدارک جشن سالگرد سازمان موافقت کرد و مسئولیت اجرایی آن را به گروه مذکور سپرد.

\* گروه پژوهش: موضوع انحلال گروه کار پژوهش به پیشنهاد اعضای گروه در اجلاس وسیع مطرح شد. اما اجلاس بر آن قرار گرفت که انحلال مسکوت گذاشته شود و بررسی بعدی در این مورد را از شورا خواست. شورا در نخستین نشست خود پس از اجلاس، توافق کرد که نوبت دیگری موضوع با تشکیلات کشورها در میان گذاشته شود و در صورتی که داوطلبانی برای عضویت در آن یافته شدند به کار پردازند. میزان آمادگی های اعلام شده فوق العاده محدود بود. به این ترتیب گروه پژوهش دیگری تشکیل نشد و گروه عملناحل گردید.

دوره مورد گزارش را می توان در رئوس زیر خلاصه کرد:

در هرصه سیاسی، بی آنکه گشایشی در جغات هینی حاصل شده باشد، عملکرد شورا حاکی از تحلیل درست وقایع، خاصه از روندهای درون حاکمیت جمهوری اسلامی، و توجه به وجوه مختلفه این وقایع بوده است. تنگنای بروز کرده در مناسبات بین نیروهای اپوزیسیون، خاصه در بین نیروهای جبهه جمهوری، از سویی و تاووم و گاه بسط مناسبات سازمان با نیروی مذکور از سوی دیگر موقعیت ویژه ای ایجاد کرده، که هلیرفم همه محدودیتها و تنگنای داخلی سازمان در کنار تمام دشواریهای بیرون از آن، رسیدگی همیق و همه جانبه ای از موقعیت و مناسبات خود با آن ایجاب می کند.

تاووم و تشدید بحران مالی با ابعاد تهدید کننده فعالیتهای مقدم سازمان، شاخص دیگر دوره بوده است، که با انعکاسهای گوناگونش در تشکیلات، همراه با تدارک سومین کنگره سازمان راقم اصلی فعالیتهای شورا در این هرصه بوده اند. شورا می کوشد کنگره را در راستای پاسخگویی به نیازهای هرصه سیاست تدارک ببیند.

با امید برای آزادی مردم میهنمان و بهروزی برای رفاقتسازان می دمیم.

شورای مرکزی - ۴ بهمن ۷۱

# تعهد اجتماعی نویسنده و پابندی به زبان و انگاره ها

ادامه از صفحه ۵

ناداری به شاخص اصلی جوامع ما بدل شده است. کشورهای آمریکای لاتین در بدیهیهای خارجی، فقدان تولید، نبود قدرت خرید، بیسوادی فزاینده و تندرستی کاهنده فوطه ورنند و در یک کلام اقتصاد آنها زمین گیر شده است. اما ما در دهسال گذشته دریافته ایم که به رقم اقتصاد و سیاستی بی رمتق از فرهنگی پر رونق و کامیاب برخورداریم. ما در طول پانصد سال گذشته و در دوران اقتدار فرهنگ سرخپوستی توانسته ایم فرهنگی بارورو درخشان پی ریزی کنیم. پرسش بزرگ ما اینک آن است که چرا نتوانسته ایم ارزشهای فرهنگی خود را به هرصه اقتصاد و سیاست رخنه دهیم. پاسخ از این قرار است: چون هدایت و برنامه ریزی اقتصاد و سیاست را خود بعد نداشته ایم. این هر دو را اقلیتی کوچک با رعایت منافع بیگانگان تعیین کرده است...

دی ولت: چنین می نماید که نویسندگان زن بیش از پیش در آفرینشهای ادبی آمریکای لاتین سهم می شوند؟  
فوننتس: من بر این باورم که زنان پیشگامان جامعه مدنی هستند. پرداختن به مسائلی همچون شیوه برخورد به زن، رفتار خود وی، احترام به حقوق زن، احترام به اختیاری وی بر جسم و پیکر خویش و محترم شمردن حقوق او در سمت دهی به روح و روان خویش همه همه حاکی از آن است که زنان پر چمدار و منادی دمکراسی نوین در آمریکای لاتین هستند.

دی ولت: آیا کتابهای شما در بارنده نوی پیام سیاسی اند؟  
فوننتس: راستش من در کتابهای خود آگاهانه و موکدا در پی ارائه پیامی نیستم؛ اما فکر میکنم هیچ کتابی عاری از بار سیاسی نیست. ولی اگر قرار باشد ماکتابهای سیاسی بنویسیم، احتمالاً کتابهای بدی از کار در خواهد آمد.

سیاسی آمریکای لاتین که در پی تحولات اخیر از میدان بدر شده اند، تنها از رهگذر فعالیت فشرده سیاسی میتوانند دوباره وارد میدان شوند. با اینهمه ادبیات در آمریکای لاتین نیروی شگرفی یافته است که میتواند زمینه نزدیکی آن با جامعه رافراهم کند. برخورد زیبا شناسانه با واقعیتهای اجتماعی، رو در رو قرار دادن تخیلات با واقعیتها و نیز همگام ساختن آنها و سپس چشم به راه حاصل کار ماندن محور اصلی ادبیات آمریکای لاتین است. اما همه اینها بر بستر تعهدات مانسبت به زبان و انگاره ها (ایماژها) انجام میگیرد. کسی که به این تعهدات پای بند نماند در زمینه سیاسی نیز به جز گفتن خشک و خالی دیدگاهها و نظراتش هیچ پیامی نخواهد داشت و این البته دیگر ادبیات نیست.

برگرفته از "دی ولت"  
۲۸ سپتامبر ۹۲

مکزیکو را از آنچه تصور میکنم، کمتر بشناسم. به باور من نیروی تصور یک سرزمین در ذهن فراتر از شناخت دقیق آن است. فزون بر آن نویسنده نه تنها درباره آنچه که میشناسد، بلکه درباره تصورات احتمالا نادرست خود نیز میتواند بنویسد. تلاش انسان به نوشتن درباره آنچه که نمیداند، یکی از ویژگیهای جالب نویسنده ای است. اگر کسی به دنبال واقعیت باشد میتواند به دانشنامه بریتانیکا و یا یک سالنامه آماری رجوع کند. تلاش من آن است که همیشه مکزیکو را در ذهن تصور کنم. من هیچ علاقهای ندارم که یک نویسنده تاتورا آلیست باشم. مکزیکویک نیروی معنوی برای تصور من است، از این رو تنها پنج ماه از سال را در میهن خود به سر میبرم.

دی ولت: کتابهای شما پیوسته به انقلاب مکزیک و شکست آن میپردازند. آیا این شکست چیزی همچون سایر کنشهای انسان است؟

فوننتس: انسانها موجوداتی تاریخی هستند و از این رو ناچار به حفظ و پاسداری تاریخ خود میباشند. سده نوزدهم برای مکزیک تجربه تاریخی تعیین کننده ای بوده است. این دوران به ما آموخت که تا چه حد میتوانیم به خطا برویم. ما بسیاری از توهمات خود را فرو نهادیم، مثلاً این توهم رایج در قرن هجدهم که فراگشت انسان هیچ مرزی نمیشناسد. سده بیستم تا حدودی به این خوشبختی معار زد و بان نشان دادن وحشیگری و توانایی انسان در کشتن ممنوع خویش چشم مارا به روی دشواریهای تکامل انسانها و جوامع بیشتر باز نمود. با این تجربه و شناخت معنای تراژیک به تاریخ داده شد. در این میان اروپا نیز از این تجربه بر کنار نبوده است... هم اکنون نیز جنبه تراژیک هستی انسان آشکارگی بیشتری مییابد. بهتر مکزیک به فاصله گیری از آن نیاز دارد؟

فوننتس: خیلی زیاد. من در خارج از مکزیکو بزرگ شده ام. در آمریکا به مدرسه رفتم. در دوران نوجوانی ام را هم در سانتیاگو و بوئنوس آیرس گذرانده ام و تنها از ۱۶ سالگی به طور دائم در مکزیکو اقامت گزیده ام. پیش از آنهم البته گهگاهی برای تقویت زبان اسپانیولی نزد پدر بزرگ و مادر بزرگم میرفتم. با اینهمه امروز نیز ترجیح میدهم که درست مثل سیاست ضد امپریالیست دانستن رژیم بدون تاکید به آزادی و دمکراسی که در گذشته بوسیله سازمان ما دنبال می گشت، محکوم به شکست است. حتماً با خبر هستید که کشور ما، در حال تبدیل شدن به یک انبار اسلحه است. رژیم در بدر دنبال ساختن بمب اتمی است، هر رابطه ای امروز می تواند رژیم را در هدف خود و تبدیل کشور به یک بمب ساعت شماره یاری رساند. امروز مسئله مردم ماتنهار رابطه با آمریکا نیست بلکه برخورداری از دولتی است که نیروی خود را از مردم بگیرد و به مردم منکی باشد و به مردم خدمت کند. یک چنین دولتی یقیناً بخاطر منافع مردم با همه کشورهای جهان از جمله آمریکا روابط دوستی بر پایه حقوق برابر خواهد داشت.

طراح مدفرانسوی وارد بوگاتا شد، کلمبیایی ها آن را نشانه تبدیل بوگاتا به شهر جهانی پنداشتند. گواتمالا خود را پاریس آمریکای لاتین نامید و توهم تا جایی پیش رفت که بعضی ها از اینکه روزی پاریس گواتمالای اروپا شود، سخن به میان آوردند.

بدین گونه این تصور که اروپا قلب و کانون جهان است در همه جا جا افتاده بود. امروز اما این توهم فرو ریخته است. سده بیستم به جتایهای مولناک خود به ما آموخت که هر ملتی میتواند از تمدن بلند نظری ملی روی بر تافته و به بربریت و دست یازی به قهر گرایش یابد. این شناخت سبب شد که ما دیگر اروپا را همچون کانون آرمانی خود ننگریم. به دیگر سخن کانون گرایی و قطب گرایی دیگر در نزد مارنگ باخته و این نتعاره رسیدن به درکی جهان نگر و فراخ بینانه است.

دی ولت: اما شما بخش بزرگی از وقت خود را در اروپا به سر میبرید و خانه ای هم در لندن دارید.

فوننتس: من به اروپا نیاز دارم و به بوئنوس آیرس نیز، به شیلی و مکزیکو نیز. انسان با بسیاری جاها پیوند دارد. یک کشیش مجلجر در سده سیزدهم کلماتی چنین نغز بر زبان آورد: "آن که تعداد زادگاه خود سعادت مند است، ناکامل است؛ آن کسی که در همه جای جهان سعادت مند است، نیز کامل نیست؛ تنها آن کسی که همه جا ناسعادت مند است، انسانی کمال یافته است." من خود را از انسانهای گروه دوم میدانم و امید که چنین باشم.

دی ولت: به رقم آنکه شما وقت زیادی را در خارج از مکزیکو به سر میبرید، ولی درونمایه اکثر کتابهای شما به زادگاهتان مربوط میشود. آیا برای درک و شناخت بهتر مکزیک به فاصله گیری از آن نیاز دارید؟

فوننتس: خیلی زیاد. من در خارج از مکزیکو بزرگ شده ام. در آمریکا به مدرسه رفتم. در دوران نوجوانی ام را هم در سانتیاگو و بوئنوس آیرس گذرانده ام و تنها از ۱۶ سالگی به طور دائم در مکزیکو اقامت گزیده ام. پیش از آنهم البته گهگاهی برای تقویت زبان اسپانیولی نزد پدر بزرگ و مادر بزرگم میرفتم. با اینهمه امروز نیز ترجیح میدهم که

بدیعی "آیا باز می توان ادعا کرد، تنها داشتن روابط گسترده با کشورهای جهان، میتواند باعث رشد و پیشرفت کشورمان گردد؟ در کشوری که حکومتش نه تنها تکیه بر مردم ندارد بلکه حقوق بشر به خشن ترین وجهی، نادیده گرفته می شود، شما قلم برداشدید و نوشتید که مناسبات ایران و آمریکا باید بهبود یابد. حقوق بشر اگر رعایت نمی شود مهم نیست! دمکراسی اگر نیست، نباشد! مهم این است که رابطه ای باشد و سودی نماید ملت شود. اقتصاد کشور رونق یابد و مردم از زیر خط فقر خارج شوند! این همان سیاستی است که بوروکراتهای دولت رفسنجانی در حال پیش بردن آن هستند و مقاله مذکور تأییدی بر این سیاست و دفاع از آن است. این سیاست

همین شماره کار درج شده، آقای دکتر رحیم زاده اسکویی می نویسد: "بسیاری از مردم امروز می دانند که مناسبات بین المللی، بزرگترین مانع توسعه اقتصادی ماست. اگر ما می توانستیم از طریق برقراری ارتباط و مناسبات بین المللی صنعتی شویم، چرا با وجود ارتباط گسترده رژیم شاه صنعتی نشدیم؟ ملتی که از زمان عباس میرزا ماشین آلات وارد می کنیم، چرا صنعتی نشده ایم؟ برای یک بار هم که شده باید درک درست از مقوله صنعتی شدن بدست آوریم. به نظر من نخست تکیه بر مردم و سپس استفاده صحیح از مناسبات بین المللی به عنوان یک ابزار، راه حل ما برای صنعتی شدن است." با این مثالهای "روشن و

نقدی بر مقاله ...  
ادامه از صفحه ۶  
بخواهند آقای خامنه ای بر سر زبان بی روری، توسری نژند و دولت آقای رفسنجانی مردم بی خانمان را به گلوله بندد. آقای نویسنده مقاله، سوراخ دهرا اشتباه گرفته و از این امامزاده انتظارات زیادی دارد. آن آقا! از این امامزاده هم خبری نصیبتان نمی شود. برقراری مناسبات حسنه با آمریکا و دیگر کشورهای جهان، در صورت وجود رژیمی که به مردم منکی است و از عقل سلیم پیروی می کند، می تواند موجب رشد و شکوفایی کشور گردد. در مقاله "بی اعتمادی و سیاستهای اقتصادی" که در



# باخوانندگان

## سخن بهاری باخوانندگان

نشریه کار، سال تازه ۱۳۷۲ را با شماره بهاری خود آغاز می‌کند. پیش از آغاز سخنی کوتاه با خوانندگان، وظیفه خود می‌دانیم تا از همه علاتمندان نشریه که در نامه‌هایشان، یا با ارسال کارت و حتی از طریق فاکس و تلفن، فرارسیدن سال نو را به کارکنان کار تبریک گفته و در پیام‌های آغازین سال خود ما را پشتیبانی داده‌اند، صمیمانه سپاسگزار می‌کنیم و متقابلاً سال تازه را به دوستداران نشریه کار تبریک گفته و برای همه دوستان خواهان شادکامی و بهروزی باشیم.

در سال گذشته، نامه‌هایی که از شما خوانندگان دریافت داشتیم، ما را به اهمیت و حساسیت وظیفه‌ای که در قبال شما داریم باز هم بیشتر واقف کرد. بر خوردهای دقیق و موشکافانه خوانندگان و نقدهایی که نسبت به مضمون مطالب مندرج در نشریه و نیز فرم و ارائه این مطالب ارائه شده، کژی‌ها و کاستی‌های کار ما را خاطر نشان ساخت و در اجتناب از اشتباهات و جبران کمبودهای نشریه موثر افتاد. نشریه کار همچنین پیشنهادهای متعددی از خوانندگان خود در جهت بهبود نشریه دریافت نمود که بخشی از آنها را در محدوده امکانات رهنمون عمل خود قرار داد و بخشی را نیز همچنان در دست مطالعه دارد.

نشریه کار، در همین حال نتوانست همه مطالب دریافتی را بطور کامل و به موقع در نشریه چاپ کند و باید اذعان کنیم که این نقص ما را بیشتر از دوستانی که برای نشریه خود مطلب فرستاده‌اند، آزار داده است. اما ناگزیریم علت اصلی این اشکال را که همان محدودیت صفحات نشریه و تورم مطالب مختلفی است که ضرورت دارد تا در نشریه چاپ بشوند، یادآور گردیم. و اضافه کنیم که خود خوانندگان عزیز در از بین بردن این ضعف می‌توانند بیشترین نقش را داشته باشند. انتخاب مطالب همخوان با جهتگیری‌های عمومی نشریه کار که طبعاً برای خوانندگان کار تشخیص آن آسان است، حجم مناسب مطالب، کیفیت قابل مرضه نوشته‌ها، و نیز کهنه نبودن مضامین مطالب، از عوامل مهم و موثر در چاپ به موقع مطالب رسیده به نشریه است. امید که به یاری شما خوانندگان عزیز و تلاش بیشتر و متضمن مقصود ما، "صفحه خوانندگان" نشریه در سال جدید بتواند خود را در برابر شما دوستان رو سنجید بیابد.

ما یکبار دیگر در آغاز سال جدید فعالیت، از تشویق‌ها و حمایت‌های شما خوانندگان تشکر می‌کنیم، همچنان چشم براه تذکرات و انتقادهای شما هستیم، و منتظر مقالات ارسالی شما هستیم. پیروز باشید.



صبا به تمنیت پیر می فروش آمد  
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد  
هوامسیح نفس گشت و باد نانه گشای  
در خت سبز شد و مرغ در خر و ش آمد  
تنور لاله چنان بر فر و خت باد بهار  
که قنچه فرق هر ق گشت و گل بجوش آمد  
بگوش هوش نیوش از من و بشدت گوش  
که این سخن سحر از هاتم بگوش آمد  
ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد  
چه گوش کرد که باده باده زبان خموش آمد  
ز فکر تفرقه باز آ تا شوی مجموع  
بحکم آنکه چو شد اهر من سر و ش آمد  
چه جای صحبت نامحر مست مجلس انس  
سر پیانه بپوشان که خر ت پوش آمد  
ز خانقاه به میخانه می رو و حافظ  
مگر ز مستی ز هد و ریابو ش آمد  
حافظ

## پاسخ به نامه‌های خوانندگان

می فشاریم  
:خواننده ارجمند آقای محمود  
مهران ادیب از بلژیک  
ما هم متقابلاً موفقیت شما را  
آرزو می‌کنیم. مطلب ارسالی‌تان  
رسید، بزودی آنرا در نشریه  
منعکس خواهیم کرد.  
دوست عزیز آقای مناف از  
نروژ  
با سلام متقابل به شما، مطلب  
ارسالی شما تحت عنوان "گفتگو  
با کرلوس فوننتس" را دریافت  
کردیم. شما در همین شماره  
نشریه کار، مطلبی حاوی برخی  
اندیشه‌های این نویسنده نامدار را  
خواهید خواند. اما این، استفاده  
از مطلب ارسالی شما را منتفی  
نمی‌کند. سعی می‌کنیم تا در  
فرصت مقتضی از آن استفاده  
شود. از همکاری شما متشکریم.  
:آقای حسین گرامی از ترکیه  
ما هم سلام فراوان داریم  
خدمت شما، اما برادر، رسم این  
نیست که شخص به کسی یا جایی  
برای دریافت کمک مراجعه کند و  
تماماً نیز زبان به تلخی گشاید. با  
اینهمه، به شما که شخص رک و  
صمیمی هستید باید بگوئیم که ما  
با تعداد زیادی از دوستانی نظیر  
شما مواجهیم که خواهان  
دریافت رایگان نشریه هستند. و  
صمیمانه می‌گوئیم که متأسفانه  
وضع مالی ما امکان اجابت چنین  
تقاضاهایی را به ما نمی‌دهد.  
: رفیق انوشیروان عزیز از  
سوئد  
کارت تبریک ابتکاری شما  
بمناسبت هم سالگرد بنیانگذاری  
سازمان و هم نوروز خجسته، مایه  
خرسندی ما شد. از اینکه به یاد ما  
هستید متشکریم.  
: دوست گرامی آقای امیر  
برابری از آلمان  
مطلب ارسالی شما تحت  
عنوان "انقلاب هموم بشری،  
یگانه راه برون رفت از بن بست  
بشری؟" را دریافت کرده‌ایم. با  
آنکه حجم نوشته ارسالی شما  
فراتر از امکانات نشریه است،  
معجزاً میکوشیم که در آینده آنرا  
در نشریه منعکس کنیم. دست شما  
در دنگدو موفق باشید.

:رفقای عزیز مقیم تورنتو کانادا  
با سلام. کمک مالی ارسالی و  
یادداشت منضم آنرا دریافت  
کردیم. هم از بابت همتی که بخرج  
داده‌اید و هم پیشاپیش بخاطر  
"سعی"تان در "جمع آوری  
بیشتر کمک" ممنونیم. موفق  
باشید.  
: دوست عزیز آقای محسن  
رحمانیان از فرانکفورت آلمان  
مطلب ارسالی شما را دریافت  
کردیم. متشکریم. تقاضای ما از  
شما اینست که از این پس ارسال  
مطالب را با برگردان فارسی آنها  
همراه کنید. در انتظار  
همکاری‌های شما هستیم.  
: رفیق امیر گرامی از سوئد  
با سلام و تمنیت متقابل،  
کارکنان نشریه قدرشناسی شما را  
ارج می‌نهند. موفق باشید.  
: رفیق گرامی رضا از مینسک  
بلاروس  
از ابراز لطف شما در حق  
کارکنان نشریه صمیمانه  
سپاسگزاریم  
: رفیق شاهین عزیز از اتریش  
ضمن سلام، نظر شما کاملاً  
صحیح است که نشریه "کیهان  
هوایی" بخاطر تخطئه کردن  
مخالفان فکری خود، در زدن هر  
انگ و تممتی به آنان و پرونده  
سازی علیه حیثیت افراد بسیار  
گشاده دست تشریف  
دارند. "کیهان هوایی" نه تنها  
برای فعالین دفاع از حقوق بشر در  
اتریش، که در هر کشور دیگر و  
بیشتر از همه در خود ایران، بستن  
هر افترا بی پایه را جایز می‌داند.  
"کیهان هوایی" با چنین  
کارهایی البته فقط به بی‌اعتباری  
بیش از پیش خود دامن می‌زند.  
: رفیق کامران گرامی از  
فرانسه  
تشکر از ماست. به اطلاع تان  
میرسانیم که - دو مقاله ارسالی  
شما تحت عنوان "هلل و ماهیت  
تورم در سرمایه داری امروز" و  
"نیاید از مردم فاصله گرفت"  
دریافت شد.  
- نشریه وزین "چیستا" هم  
به دست ما می‌رسد.  
دست شما را به گرمی

فداییان" وفاداری به آرمان  
خلق، بهروزی و سعادت اوست،  
در این راه اگر نتوانیم از ایده‌های  
سوسیالیستی استفاده کنیم به  
کسی بدهکار نیستیم و فداییان  
همیشه ظرفیت پذیرش و اعتراف  
به اشتباهات گذشته خود را  
داشته‌اند. بنیاید و برای همیشه  
مسائل روشنگری را کنار بگذارید  
و به فکر "اصول و اسالیب"  
سیاسی که به نفع مردم ایران  
است باشید.  
در بیان عوامل شکست  
سوسیالیزم نویسنده می‌گوید:  
"سیستمی که آزادی و منافع  
انسانها را قربانی تابوها و قالب‌های  
خفک ایدئولوژیک کرده بود".  
تاریخ ثابت کرده است که هرگاه  
ایدئولوژی به جامعه‌ای حاکم  
شود آن جامعه به تصعیر می‌رود:  
اسلام در ایران، کمونیزم در  
شوروی، نازیسم در آلمان...  
بدنبال "جایگزین نو و در همین  
حال مشخص و عملی" برای اصول  
سوسیالیستی گشتن در بهترین  
حالت وقت تلف کردن است. باید  
روش پیدا کردن "راه حل" اول و  
بعد حقیقه کردن آن به مشکل در  
مرحله بعد را برای همیشه کنار  
گذاشت. اگر مشکلات را بدرستی  
درک کردیم و راه حل‌هایمان عملی  
شد و آن راه‌های عملی به  
سوسیالیزم شباهت داشت، آنوقت  
میتوانیم بگوئیم به "جایگزین نو  
... دست یافته‌ایم."  
در آخر مجدداً ابراز تأسف  
مینمکن که این مقاله بدون نام  
نویسنده به چاپ رسیده است. پس  
به ناچار، نمایانگر مواضع کمیته  
مرکزی است.  
ح. د.  
۲۵ فوریه ۹۳

برمی‌خورد باز دچار سرگیجه  
می‌شود. رفقا! چه اصراری است  
که سوسیالیزم را به مردم ایران  
تحمیل کنیم؟ در ایران بسیاری از  
مسائل - من جمله: بیسوادی، عقب  
ماندگی تکنولوژی، عدم داشتن  
درک از دموکراسی، برقراری  
فرهنگ پست رشوه‌خواری و کلاه  
سر یکدیگر گذاشتن و هزاران  
مشکل دیگر وجود دارد که برای  
حل آن نیازی به "سوسیالیزم  
و اتقا موجود" نیست. نویسنده  
مدعی است "سرمایه داری حرف  
آخر تاریخ نیست"، فرض بر این  
می‌گیریم که این گفته درست  
است. آیا "سوسیالیزم حرف آخر  
یا حرف بعدی تاریخ است؟"  
آیا همه وقت و انرژی سازمان  
باید صرف اثبات نکته فوق شود؟ به  
نظر من این در بهترین حالت  
مطلب مناسبی برای دوره  
دکترای یک دانشجوی علوم  
سیاسی است و جوابگویی به آن  
وظیفه یک "سازمان سیاسی"  
نیست.  
برای من مایه تأسف بسیار  
است که "ضعف پیوند با داخل  
کشور" سازمان را "آزار داد"  
ولی "شکست الگوی  
سوسیالیزم" که "مسئله عمده  
اصلی" بود سازمان را "رنجور  
کرد". برای من ایرانی مسئله  
اصلی "ایران" است، آینده  
ایران: اگر این حکومت برود و  
مجاهدین بنیاید وضع بهتر خواهد  
شد؟ آیا در چارچوب همین  
حکومت میتوان به حل برخی  
مسائل کمک کرد؟ چگونه میتوان  
به مردم کمک کرد تا دموکراسی  
را تجربه کنند؟ عقب افتادگی  
اقتصادی و تکنولوژی را چگونه  
میتوان جبران کرد؟ و...  
بنظر من "انتخاب تاریخی

## در نقد مقاله "جنبش ما ماندگار است"

آنچه که در زیر می‌آید بعدی است که یکی از خوانندگان محترم  
نشریه در مورد مطلب "جنبش ما ماندگار است" برای ما  
فرستاده‌اند. در زیر آنرا می‌خوانید.

نشریه محترم کار،  
در شماره ۵۳ کار مقاله‌ای  
تحت عنوان "جنبش ما ماندگار  
است" به چاپ رسیده که مرا  
بعنوان مشترکی که روندهای  
فکری موجود سازمان فداییان را  
دنبال میکند واداشت تا نکاتی را  
متذکر شوم. قبل از هر چیز بابت  
ناپختگی و ضعف ادبی خودپوزش  
میطلبم، فقط امیدوارم بتوانم  
افتکارم را به روشنی انتقال دهم.  
سئوالاتی که در ذهن من  
 مطرح شد بدین قرار است: ۱-  
تعریف "چپ" چیست؟ ۲-  
هویت تاریخی سازمان کدام  
است؟  
پاراگراف ۶ و ۷ مقاله "چپ"  
را تعریف میکند: "چپ زاده  
انتقاد از نابرابری‌ها و مناسبات غیر  
انسانی در جوامع بشری است".  
احتمالاً نویسنده شخصیت‌های  
انقلابی مثل اسپارتاکوس، بابک  
خرم‌دین و مازیار را نیز "چپ"  
میداند. از طرفی نویسنده  
"مشکل اصلی و عمده" سازمان  
در سال گذشته را تجزیه و تحلیل  
شکست "سوسیالیزم عملاً  
موجود" میداند.  
به نظر من فریاد نویسنده در  
مورد "ما در انتخاب تاریخی  
خود پابر جا هستیم و چپ خواهیم  
ماند" به معنی وفاداری به  
مارکسیزم - لنینیزم و کمونیزم  
است. بدیهی است که تنها  
مارکسیست‌ها نیستند که از  
نابرابری‌ها و مناسبات غیر انسانی  
انتقاد میکنند، بنابر این تعریف  
نویسنده از "چپ" اگر نه گمراه  
کننده، مخدوش و محو است.  
نویسنده هیچ خط و مرزی میان  
سازمان و نیروهای ضد انقلابی  
تحت عنوان مارکسیست، مثل  
مائوئیست‌ها، رسم نمی‌کند.  
"چپ" بودن و نیت "انسانی"  
داشتن به تنهایی در هرصه  
سیاست هیچ ارزشی ندارد. نه تنها  
گروه‌های سیاسی دیگر بلکه حتی

مردم برای "چپ و خوش نیت"  
بودن تره خورد نمی‌کنند.  
علت اصلی پیدایش سازمان  
فداییان ضرورت مبارزه با  
دیکتاتوری شاه و از بین بردن  
نابرابری‌ها و برقراری دموکراسی  
در ایران بود. فداییان یک  
سازمان "سیاسی" است و  
انگیزه اصلی موجودیت آن کمک  
در حل مشکلات سیاسی -  
اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی  
مردم است. در این راه اگر بتوان  
از تجربیات دیگر ملتها استفاده  
کرد که چه بهتر، اگر آن تجربیات  
با شکست روبرو شد دیگر نباید  
ز انوی فم به بقل بگیریم و توی سر  
خودمان بزنیم که: پس تئوری یا  
ایدئولوژی را چه می‌شود. در هر  
کاری اولویتها را باید تشخیص  
داد: آیا سازمان در مرحله اول  
مارکسیست است و میخواهد با  
استفاده از ایدئولوژی مارکسیزم  
مشکلات مردم ایران را حل کند و  
یا بالعکس: سازمان میخواهد  
مشکلات مردم ایران را و به  
بهترین نحو ممکن حل کند و در  
این راه اگر مارکسیزم بدر  
خورد از آن "هم" استفاده کند.  
من معتقدم روشنگرانی که در  
عالم خیال زندگی میکنند شق اول  
را بر میگزینند: آنها میخواهند همه  
مشکلات جامعه ما را به یک  
"تئوری خوش نیت" حل کنند.  
حالا اگر این تئوری در جای دیگر  
با شکست روبرو شد از خود بی خود  
می‌شوند، منفعل و سردرگم در  
صدد پیدا کردن "اصول و اسالیب"  
که شکست تجربه اکتر و  
شکست‌های سنگین احزاب  
کمونیست در اوپای شرقی را در  
پی داشت جایگزینی نو و در همین  
حال مشخص و عملی" می‌شوند.  
این بر خوردها قبل از اینکه بر آن باشد  
که "مسئله مشکل" را بشناسد و  
مطالعه کند در صدد یافتن راه حل  
است و بعد که راه حلی یافت و دید  
که آن راه حل به "مشکل"

## کمک‌های مالی رسیده

- از بلژیک به "نشریه کار"  
- رفقای واحد سازمان در بلژیک ۱۰۰۰ فرانک  
- علی رضا ۱۰۰۰ فرانک  
- حسام ۵۰۰ فرانک  
- سامی ۲۰۰ فرانک و ۱۰۰ فرانک
- از رفقای مقیم تورنتو کانادا در پاسخ به فراخوان  
مالی شورای مرکزی ۳۰۰ دلار کانادا
- از فرانسه، لادن باکد "سفر انتظار" به "نشریه  
کار" ۱۳۵ فرانک
- ازین به کمیته کشوری آلمان ۵۰ فرانک  
از یاری دوستان سپاسگزاریم

# خبرها و نظرها

## پاسخ به چند پرسش

در اواخر بهمن ماه گذشته، کمیته همبستگی هامبورگ طی مصاحبه‌ای با آقایان شریعتمداری از اعضای شورای مرکزی سازمان جمهوری خواهان ملی ایران و کریمی از اعضای شورای مرکزی سازمان ما، پرسش‌هایی با آنان در میان گذاشت که بمنظور اطلاع خوانندگان نشریه کار، در زیر بخش‌هایی از پاسخ‌های ارائه شده رابیان می‌کنیم.

در ابتدا نماینده کمیته همبستگی، نظر مصاحبه‌شوندگان را راجع به حرکت کمیته همبستگی و چشم انداز آن جویا شد.

آقای شریعتمداری با مثبت دانستن کار «کمیته همبستگی» با تاکید بر پیگیری آن در فعالیت خود و نیز انتخاب صحیح مسئله ملی و مفهوم تمامیت ارضی ایران، برای گفتگوها، ابراز امیدواری کرد که نظیر این کمیته در جاهای دیگر نیز تشکیل شود تا زمینه برای نزدیکی جریان سیاسی بیکدیگر و اتخاذ مواضع واقعی تامین گردد. او در ادامه این سخنان بر ارزیابی مثبت سازمان جمهوری خواهان ملی ایران نسبت به فعالیت این کمیته تاکید کرد.

بیشتر کسب کند. در پاسخ به این سؤال که دلیل ضعف اپوزیسیون دمکرات ایران را چه میدانید آقای کریمی طرح نمود که بزرگترین مشکل مایعنی نیروهای خارج از کشور، دوری از بطن جامعه است. نیروهایی که بدلیل سرکوب رژیم وادار به مهاجرت گردیده‌اند طبیعتاً قادر به تأثیرگذاری زیاد بر روند حوادث ایران و نیز تأثیرپذیری مستقیم از آنها نیستند و این امر بالطبع بر عملکرد و روش آنان تأثیر خواهد گذاشت، ولی با اینهمه، نادرست خواهد بود اگر که در صحبت‌های خود تنها از ضعف نیروهای اپوزیسیون سخن گفته و نکات مثبت را فراموش کنیم. همین که با وجود این همه ضربات و فشارها، اپوزیسیون امروز از یاد نرفته و تلاش‌هایی برای جستن راه حل صورت می‌گیرد ارزشمند است. «و من در مجموع خوشبین بوده و فکر می‌کنم که وضع بهتر خواهد شد».

آقای شریعتمداری در این زمینه مطرح کرد که ارائه تصویری مایوس کننده از اپوزیسیون نادرست است. هیچ زمان اپوزیسیون همچون امروز مواضع خود را مورد شک و باز بینی قرار نداده و امروز اپوزیسیون میکوشد بجای شعار و مرزبندی‌های ایدئولوژیک، راه‌حل‌های واقعی و مثبت ارائه دهد. وی در سخنان خود همچنین طرح کرد که اپوزیسیون محدود به نیروهای خارج از کشور نیست و بخش وسیعی از آن در داخل کشور فعالیت می‌کند.

در پاسخ به سؤال در مورد ضرورت بازگشت به داخل کشور و شرایط آن آقای شریعتمداری گفت که بازگشت به وطن امری است که در حال حاضر عملی نیست ولی بعنوان یک شعار می‌بایست همیشه از جانب اپوزیسیون طرح گردد و در این مورد که رژیم بها اجازه میدهد یا خیر، اپوزیسیون اجازه خود را از رژیم نمی‌گیرد بلکه آنرا از امکانات خود و امکانات بین المللی کسب میکند و اگر هدف اصلی خود را عمل سیاسی مستقیم در سطح جامعه بداند روزی

مطمئناً شرایطش را فراهم خواهد نمود.

آقای کریمی در همین زمینه مخالفت خود را هم با این اندیشه که بازگشت بصورت فردی را تبلیغ می‌کند و هم با این فکر که بازگشت را به کنار رفتن رژیم موقوف می‌سازد ابراز داشت و تاکید نمود که بازگشت باید همراه با تضمین حداقل آزادی‌ها باشد و از جمله شرایطی که در آن امکان فعالیت احزاب سیاسی انتقاد آنان از حکومت و شیوه‌هایش وجود داشته باشد.

در رابطه با عدم شرکت برخی نیروها در گفتگوها و میزگردها بدلیل شرکت نمایندگان برخی دیگر از نیروهای اپوزیسیون هر دو سخنان مخالفت خود را با این روش اعلام نمودند. آقای شریعتمداری این روش را بازمانده ذهنیت استبدادگرای نیروها دانسته و آقای کریمی طرح نمود که ما هر قدر دمکرات‌تر باشیم باید جسارت نظری مان بیشتر باشد. هر دو سخنان بر این امر که بحث و گفتگو با سایر نیروها بهیچ وجه به معنای پذیرش همکاری با آنان نیست تاکید کرده و موافقت سازمانهای خود را به بحث و گفتگو با تمامی نیروهای اپوزیسیون اعلام نمودند.

در رابطه با اتحاد نیروهای دمکرات آقای شریعتمداری اظهار داشت که اتحاد و ائتلاف نباید بر مبنای چند شعار صورت گیرد و تفاهم حول یک برنامه حداقل سیاسی لازم اتحاد است. ائتلاف بر سر چند شعار بسیج کننده که چند اکسیون را برانگیزد سالیانست که صورت می‌گیرد و گاهی اوقات نتایج مثبتی نیز در بر دارد ولی همواره مثبت نیست.

آقای کریمی در این زمینه پاسخ داد که اتحاد جبهه‌ای می‌بایست بر مبنای اعتقاد به دموکراسی و جمهوری و دموکراسی صورت پذیرد. اما این اتحاد مستقیماً از طریق یک برنامه جبهه‌ای میسر نمی‌شود قبل از آن می‌بایست از یکسری ایستگاهها گذر کرد. این ایستگاهها، اتحادهای موضعی است. اتحادهای موضعی تمایلات را نزدیکتر کرده و امکانات تشکیل جبهه را افزایش خواهد داد.

## «کمیته علیه تروریسم جمهوری اسلامی» در شهر کلن

ماه گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای تحت عنوان کار پایه «کمیته علیه تروریسم جمهوری اسلامی» در شهر کلن آلمان، تشکیل چنین کمیته‌ای اعلام گردید.

در این اطلاعیه پس از اشاره به ترور بیش از ۵۰ نفر از مخالفین رژیم در سالهای گذشته و ترور برلین آمده است: «بدنبال ترور برلین در شهرهای مختلف اروپا کمیته‌ای علیه تروریسم جمهوری اسلامی تشکیل شد و در شهر کلن نیز تعدادی از افراد دمکرات اپوزیسیون گرد هم آمدند و به تقاضای زیر بعنوان کارپایه سیاسی - تشکیلاتی کمیته‌ای برای مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی رسیدند:

۱- کمیته‌ای بنام «کمیته علیه تروریسم جمهوری اسلامی» در شهر کلن سازمان داده شد که هدفش مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی می‌باشد.

۲- اعضای این کمیته افرادی هستند که با وجود داشتن نظرات گوناگون سیاسی و با اعتقاد به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر اصولاً مخالف با ترور بعنوان وسیله‌ای برای اعمال و پیشبرد اهداف سیاسی می‌باشند.

۳- «کمیته علیه تروریسم جمهوری اسلامی» تشکیلی است مستقل و میتواند برای فعالیتهای خود جهت پیشبرد اهداف مشروع در این کارپایه از تجارب و امکانات کمیته‌های دیگر استفاده کند.

اهداف کوتاه مدت الف - هماهنگ کردن فعالیت‌های اپوزیسیون در رابطه با محاکمه هر چه سریعتر متهمین به ترور برلین و افشا رژیم جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی این ترور. برای نیل به این منظور باید از طریق قانونی و تحت فشار افکار عمومی، از مقامات دادستانی و دادگستری آلمان خواسته شود که متهمین به این ترور محاکمه شده و در روشن کردن نقش مستقیم مقامات جمهوری اسلامی در این آدمکشی و اعلام رسمی این امر توسط مقامات ذیصلاح دولت آلمان، جدابکوشد.

ب- باید بوسیله فشار افکار عمومی، دولت آلمان را به مقابله جدی با تروریسم وادار کرد و در این رابطه از مقامات مسئول آلمان خواسته شود که در روابط سیاسی - اقتصادی خود با رژیم جمهوری اسلامی خواهان پایان سرکوب و ترور مخالفین شود.

ج- مقامات امنیتی آلمان باید تصمیمات و اقدامات اساسی برای حفظ و تامین جان و امنیت مخالفین جمهوری اسلامی را در این کشور معمول دارند.

این کمیته در اهداف دراز مدت خود بر «تشکیل یک تریبونال از شخصیت‌های دمکرات و آزادیخواه بین المللی برای محکوم کردن تروریسم جمهوری اسلامی در ایران و خارج از کشور» و تامین همکاری بین کمیته‌های «ضد تروریسم» رژیم در سطح شهرها و کشورها، تاکید کرده است.

## نامه مردم؛ سخنی پیرامون شعار محوری

در شماره ۱۱ اسفند ماه نامه مردم، سرمقاله‌ای تحت عنوان سخنی پیرامون شعار محوری درج گردیده و در آن از شعار محوری حزب «زنده باد آزادی صلح و عدالت اجتماعی و طرد باد رژیم ولایت فقیه» دفاع شده است.

در این مقاله آمده است که هدف از طرح شعارهای تاکتیکی عقب راندن دشمن و پیشروی در راستای رسیدن به خواست‌های استراتژیک است. بر اساس چنین درکی شعار فوق بعنوان یک شعار تاکتیکی توسط حزب طرح گردیده است.

در این رابطه، مقاله بر سرکوب وسیع آزادیها توسط رژیم، سیاست جنگ‌افروزان و زندگی دشوار میلیونها ایرانی تاکید نموده و ضرورت طرح شعار آزادی، صلح، عدالت اجتماعی را نتیجه می‌گیرد. در ادامه گفته شده است که در شرایط کنونی حاکمیت مذهبی بشکل ساختاری ولایت فقیه همده‌ترین سد راه دستیابی به اهداف فوق است و با حذف آن رژیم جمهوری اسلامی نیز مشروعیت خود را از دست می‌دهد و بنا بر این خطر استحاله رژیم که برخی نیروهای اپوزیسیون به آن اشاره دارند نمی‌تواند موضوعیت داشته باشد. مقاله در نقد نظرات مخالف آنها را بدو دسته تقسیم نموده است، یک طیف را نیروهایی دانسته که معتقد به تحول از درون یا دقیق‌تر از بالا در جمهوری اسلامی است. نامه مردم این طیف نظری را شامل بخش همده نیروهای چپ تویین و بخش‌هایی از نیروهای ملی‌گرا، نهضت مقاومت ملی و جمهوری خواهان ملی می‌داند و بر آنست که این نظر با هیچیک از واقعیات جامعه ما همخوانی ندارد.

مقاله در ادامه خود به نقد نظرات دسته دوم که شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را طرح می‌کنند پرداخته و میگوید حزب توده ایران از نظر اصولی با شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مخالفتی ندارد ولی چنین شعاری در شرایط کنونی و با توجه به سطح سازمان یافتگی جنبش اعتراضی خلق یک شعار غیر واقع‌بینانه است.

## انتشار مباحثات

### «پیرامون ضرورت ایجاد جبهه جمهوری در ایران»

کارگر، حزب توده ایران، حزب دمکرات کردستان ایران سازمان سوسیال دمکراتهای ایران، سازمان سوسیالیست‌های ایران و نماینده آقای بنی صدر برگزار گردیده متعاقباً انتشار خواهد یافت.

هلاقمندان می‌توانند جهت تماس با «جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک» با آدرس زیر مکاتبه کنند.

B.P.59  
1090BXL  
BELGIQUE

## با اشتراك کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مايلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____ Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p> <p>fax: 00-49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							



### سئوال رسمی گروهی از نمایندگان مجلس آلمان

ادامه از صفحه ۱

در برلین و همچنین نقش مسجد مزبور در فعالیت‌های معین تروریستی و اقدامات جنایی در آلمان دارد؟

۴- همچنین تا چه حد صحت دارد که وزارت دادگستری از طریق تلفنی به دادستان فدرال مربوطه "یوست"؛ اخطار کرده است که از همده کردن نقش محافل دولتی ایران و همچنین تعقیب آنان خودداری ورزد.

کدام یک از ماموران وزارت دادگستری و به چه دلیل در این زمینه با دادستانی فدرال تماس گرفته‌اند؟

۵- و در ادامه تا چه حد صحت دارد که هماهنگ کننده سازمان امنیت آلمان و وزیر کشور (شاید باوئر) و همچنین ماموری از اداره صدارت هلمه، تلاش کرده‌اند با دستورآتشان تحقیقات بازرسی BKA را در همان راستا تحت تاثیر قرار دهند؟

کدامیک از ماموران اداره صدارت هلمه، و به چه دلیل و با چه هدفی با BKA در این زمینه تماس گرفته‌است؟

۶- تا چه حد صحت دارد که موضوع اضرار عامل برجسته ساواما، تفرشی از آلمان در ماه ژوئن که تحت عنوان دیپلمات ایرانی در آلمان بسر میبرد، بر اساس یک توافق بین سفیر ایران و یک مامور دولت آلمان (کدام مقام؟) مسکوت گذاشته شده است؟

بنابر چه دلایلی چنین توافقی صورت گرفته و چرا دولت آلمان خبر این اضرار را منتشر نکرده است؟

۷- چه اطلاعاتی دولت فدرال در مورد عملکرد "خانه ایران" در خیابان پارک، شماره ۵ در کلن و همچنین مدیر آن "محسن د" در چارچوب فعالیت‌های ساواما در آلمان دارد؟

مقامات دولت فدرال و همچنین مقامات دولت ایالتی به چه نحو اقدام کرده‌اند؟

۸- تا چه حد صحت دارد که مقامات دولتی ایران مصرأ به دولت آلمان اخطار کرده‌اند تا مانع از این شوند که آنان بعنوان مسئول اصلی و یا پشتیبان حملات تروریستی خود معرفی گردند؟

سند مزبور به تاریخ ۲۵ ژانویه و از طرف گروه پارلمانی "اتحادیه ۹۰، سبزه‌ها" توسط دو تن از نمایندگان آن امضا شده است.

به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۹۳ وزارت کشور آلمان فدرال از سوی دولت این کشور در پاسخ به سوالات فوق متن جوابی را برای ریاست مجلس این کشور ارسال داشته است. در جوابیه مزبور آمده است:

اول (در پاسخ سوال اول): اداره جنایی فدرال در ۲۱ دسامبر برای اطلاع مقامات امنیتی و دولت آلمان، تحت عنوان "موقعیت خطر آفرین ایران" فاکسی را ارسال داشت که حاوی توضیحاتی بود در زمینه مسائل پشت پرده مربوط به روند تحقیقات در مورد یوسف امینی و دیگران، که از جمله موارد اتهام آنها شرکت در قتل چهار سیاستمدار کرد در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ می‌باشد. همین توضیحات است که در صفحه ۳۴ شماره ۳/۱۹۹۳ مجله فوکوس کلیشه شده است.

دوم: ترور چهار سیاستمدار ایرانی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین

### اول لغو تحریمها، بعد انتظار اصلاحات

گوتنر گراس، نویسنده نامدار آلمان، که اخیراً از سفر کوبا بازگشته در مصاحبه‌ای با روزنامه اسپانیایی "ال پاپس" تحریم اقتصادی فرب علیه کوبا را به باد انتقاد گرفت و خواهان لغو آن گردید.

گراس که چندی پیش به خاطر موافقت حزب سوسیال دمکرات با محدود سازی حق پناهندگی در آلمان از عضویت این حزب استعفا نمود، بر خلاف بسیاری از روشنفکران و نویسندگان آمریکای لاتین کم و بیش از جنبه‌های منفی برخی از سیاستهای کاسترو انتقاد کرده و لذا کسی نمی‌تواند موضع اخیری را به دوستی با کاسترو نسبت دهد.

به گفته گراس برای نویسندگان محدودیت‌هایی وجود دارد، اما در برخورد با وضعیت این کشور نباید اخطار و نه رهنمودهای دیگری از سوی وزارت دادگستری به دادستانی فدرال در پیشبرد تحقیقات مسأله مورد گفتگو داده نشده است.

موضوع گفتگو میان وزارت دادگستری و دادستانی فدرال، اطلاعات وزارتخانه در مورد وضعیت پیشرفت تحقیقات - به دلیل اهمیت موضوع - سیاست مطبوعاتی بوده است.

پنجم: چنین تلاش‌هایی برای تاثیرگذاری وجود نداشته است. ششم: انتقال مطلق تفرشی دیپلمات ایرانی به کشورش، بر اساس تصمیم مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲ خود وزارت امور خارجه ایران صورت گرفته است.

هفتم: "خانه ایران" در اختیار بنیاد جانبازان است. این محل مختص اسکان و مداوای مجروحین جنگ ایران و عراق و همچنین دیگر بیماران از ایران است که برای مداوا در آلمان بسر می‌برند. این محل همچنین بعنوان محل تجمع افراطیون اسلامی "اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا" (U.S.I.A) و دیگر گروه‌های شیعی استفاده می‌شود. این ادعا که خانه ایران در کلن، شماره ۵ خیابان پارک در فعالیت‌های تروریستی و یا اطلاعاتی نقش دارد، مکرراً بر جسته شده و از طرف مطبوعات بارها مطرح شده است.

تحقیقات مقامات امنیتی نتوانست این اتهام را تأیید کند. در مورد تعلق محسن د. جزایری به ساواما اطلاعاتی در دسترس نیست.

هشتم: دولت آلمان چنین اخطاری دریافت نکرده است. \* \* \*

مجموعه پاسخ‌های وزارت کشور آلمان به پرسش‌های مطروحه: با توجه به مدارک جمع آوری شده و حتی اطلاعات انشطار یافته هستند، حاکی از آنست که سیاست رسمی و اتخاذ شده دولت آلمان، کماکان انکار و مسکوت گذاشتن فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در این کشور و ممانعت از انتشار حقایق در این زمینه است. اگر چه مقامات مجری این سیاست، در پیشبرد مشی خود با محدودیت‌ها و فشارهای معینی نیز دست بگریبانند.

این مقامات آنجا که موضوع به مدارک و شواهد موجود و زنده

### انتخابات پارلمان فرانسه

ادامه از صفحه ۱۲

"بیگ بنگ" استفاده کرده که برای انفجار اولیه‌ای که به نظر برخی دانشمندان منشا پیدایش کهکشان است، به کار برده می‌شود. انفجار مورد نظر روکار باید به ایجاد یک جنبش متحد در برگیرنده سوسیالیست‌ها، کمونیست‌های اصلاح طلب، سبزها و لیبرال‌ها بیانجامد. ناظران معتقدند هدف اصلی روکار از چنین پیشنهادی، زمینه‌سازی برای کسب اکثریت آرادر انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۹۵ است.

برخی شخصیت‌های حزب سبزها این پیشنهاد را مورد تمسخر قرار دادند و گفتند اصطلاح مناسب‌تر برای طرح روکار، "بیگ مک" است نه "بیگ بنگ" زیرا روکار می‌خواهد مانند همبرگری که مک دونالد می‌فروشد، یک برگ کاهو (کنایه از حزب کوچک سبزها) را میان دو لایه کلفت گوشت ترمز (کنایه از سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها) قرار دهد.

پیشنهاد میشل روکار نخست سر و صدای زیادی برآه انداخت، اما به سرعت تحت الشعاع اوضاع سیاسی متلاطم فرانسه، تظاهرات ماهیگیران علیه بازار مشترک و ادامه تفرقه در صفوف سوسیالیست‌ها قرار گرفت. یک گرایش دیگر در حزب سوسیالیست که توسط ژان-پیر شوونمان رهبری می‌شود، می‌کوشد بین همه نیروهایی که برنامه‌ریزی اقتصادی دولتی و تاکید بر استقلال ملی در برابر روند یکپارچه شدن سرمایه‌داری اروپا را راه برون رفت از بحران می‌دانند، اتحاد ایجاد کند.

شوونمان تا هنگام شرکت فرانسه در جنگ آمریکا و متحدانش علیه عراق، وزیر دفاع فرانسه بود و در اعتراض به این جنگ، کناره‌گیری کرد.

هم اکنون حزب سوسیالیست توسط لورن فابیوس نخست وزیر پیشین رهبری می‌شود. فابیوس می‌کوشد بر خلاف گرایش‌هایی که سعی در "انفجار ۴" "اصلاح" و یا تغییر و تحول در حزب سوسیالیست بهر طریق دیگر دارند، یکپارچگی حزب را حفظ کند. فابیوس مطابق میل میتران و به رغم مقاومت بسیاری از رهبران سوسیالیست‌ها به صدارت حزب انتخاب شد و معتقد است پس از انتخابات نیز حزب سوسیالیست‌ها مانند احزاب دست راستی به حیات خود ادامه خواهد داد. وی در یک سخنرانی انتخاباتی گفت: "ما کی می‌خواهیم از پوزش طلبیدن بخاطر سوسیالیست بودن خود دست بشیم؟"

به نظر می‌رسد سخنان فابیوس، پاسخی به پیشنهاد "انفجار ۴" روکار و برخی دیگر از موضعگیری‌های شخصیت‌های سوسیالیست، از آن جمله اظهارات ژوسپین صدر حزب سوسیالیست از هنگام پیروزی حزب در انتخابات ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۸۸. ژوسپین که در انتخابات یکشنبه گذشته کاندیدای یک حوزه انتخاباتی بود و در سال ۱۹۸۸ توانست در مرحله اول ۵۷ درصد آرا را کسب کرده به مجلس راه یابد، به خاطر عدم توافق با گماردن فابیوس به رهبری حزب، مورد قرض میتران قرار گرفت و سال گذشته مقام وزارت خود را از دست داد. ژوسپین قبل از انتخابات اخیر گفت: "من متعلق به نیروی چپ هستم، اما با هر آنچه از سال ۱۹۸۸ انجام شده است، موافق نیستم. این را هم فلنا گفته‌ام. کنار گذاشتن من از دولت،

### سرنوشت کردستان عراق چه خواهد شد؟

ماهها از هنگامی که توجه جهانیان به کردستان عراق جلب شده بود، می‌گذرد و رفته رفته این منطقه به فراموشی سپرده می‌شود. هم اکنون زاخو، یکی از شهرهای شمال عراق، پایتخت منطقه خودمختار کردستان است. دولت محلی کردها در این شهر مستقر است اما کسی نمی‌داند که هم‌این دولت چقدر خواهد بود. کاملاً قابل تصور است که بهبود احتمالی مناسبات عراق و آمریکا به لغو ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی در شمال مدار ۳۶ درجه بیانجامد و ارتش صدام صسین بار دیگر کردها را به خاک و خون کشد.

مسعود بارزانی، رئیس دولت خودمختار کردستان می‌گوید: "ما احتیاج به زمان داریم. کردهای عراق خواهند تشکیل کنگدراسیون با اهرابند." وی می‌افزاید: "پیشنهاد خودمختاری صدام، حیل‌های شوم بیش نبود. ما از کمک‌های انسانی

مربوط می‌شود، به بجهان ناتمام بودن تحقیقات، از پاسخ به هلت عدم انتشار نتایج بدست آمده طفره می‌روند و آنجا که موضوع به مواردی از قبیل افعال نظرها و دستورهای شناهی و تلفنی برمی‌گردد، مواردی غیر قابل اثبات هستند، به سادگی راه حاشا و انکار را در پیش می‌گیرند.

تنها با پیگیری دقیق امر، استفاده از همه امکانات، اتکاء به هشیاری و اقدامات محبسته نیروهای متعدد به حقوق و ارزش‌های انسانی است که می‌توان سیاست مسکوت گذاشتن تروریسم دولتی جمهوری اسلامی و مداخلات در برابر آن را به شکست کشا شد. باید بطور جدی در این راستا کوشید.

توانست - مجموع نیروهای سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و سبزها به احتمال قوی کمتر از آرای متحد دو حزب دست راستی آر. پ. ا. و او. د. اف خواهد بود. ثانیاً در درون حزب کمونیست نیز اختلاف میان جناح ژرژ مارشه رهبر حزب که بر مواضع سنتی کمونیست‌ها پافشاری می‌کند از یک سو، و جناح اصلاح طلبان از سوی دیگر، ادامه دارد. ثالثاً در مورد مهمترین موضوع سیاست روز فرانسه یعنی بازار مشترک و اتحاد اروپا، کمونیست‌ها موضعی دارند که در جهت متضاد موضع اکثریت سوسیالیست‌ها قرار دارد. در حالی که میتران و حزب او از اروپای متحد دفاع می‌کنند، کمونیست‌ها با این روند مخالفند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد همانگونه که حتی روزنامه دست راستی فیگارو نیز اذعان دارد، پیروزی محافظه‌کاران در انتخابات بیش از آنکه شرم پویایی جناح راست طیف سیاسی فرانسه باشد، نتیجه ضعف طیف مقابل است. حتی خود نیروهای محافظه‌کار نیز به این امر واقفند.

کارزار انتخاباتی اخیر در فرانسه، بدور از شعارهای جنجالی و پوستره‌های بزرگی که راه حل مشکلات و بحران را در یکی دو کلمه خلاصه می‌کند، برگزار شد. حتی ژان - ماری لوپن رهبر نژاد پرستان نیز که زمانی نطق‌های آتشین ایراد می‌کرد، این بار سخنرانی‌هایی یکنواخت و آرام داشت.

به احتمال قریب به یقین، از انتخابات پارلمانی فرانسه که مرحله اول آن، یکشنبه ۲۱ مارس برگزار شد و مرحله دوم آن قرار است یک هفته بعد، یعنی روز ۲۸ مارس انجام گیرد، یک اکثریت دست راستی سر بر خواهد آورد و دولت ائتلافی آر. پ. ا. و او. د. اف را بر خواهد گزید. اما این بدان معنی نیست که یک چرخش تمام عیار به راست در فرانسه به وقوع خواهد پیوست. این نخستین بار نیست که در دوره زمامداری میتران، اکثریت پارلمان به محافظه‌کاران تعلق می‌گیرد و تعیین سیاست‌ها را یک رئیس‌جمهور سوسیالیست و یک کابینه دست راستی مشترکاً عهده‌دار می‌شوند. این بار نیز انتصاب ۱۶۰ مقام عالی رتبه دولتی و اقتصادی در حیطه اختیارات میتران خواهد بود. سیاست خارجی و دفاعی در حوزه مسئولیت رئیس‌جمهور است. بنابر این، همه نگاه‌ها متوجه انتخابات ریاست جمهوری است که در سال ۱۹۹۵ برگزار خواهد شد.

# اعلام حالت فوق العاده در روسیه توسط یلتسین

## انتخابات پارلمان فرانسه

یک هفته پس از پایان کارکنندگان نمایندگان خلق روسیه، یلتسین طی نطقی در تلویزیون روسیه، با اعلام حالت فوق العاده، همه تصمیمات و قوانین نهادهای قانونی روسیه را تا ۲۵ آوریل بی‌اعتبار اعلام کرده و همه نهادها و ارگانهای اجرائی کشور را تحت کنترل خود درآورد. ۲۵ آوریل تاریخی است که یلتسین قصد دارد با انجام یک همه پرسی از مردم برای خود و معاونش رای اعتماد بگیرد. هم چنین یلتسین در نظر دارد طرح نوین قانون اساسی و قانون جدید انتخابات در روسیه را به رای و اظهار نظر مردم بگذارد. طرح قانون اساسی مورد نظر یلتسین، پارلمانی را پیش بینی می‌کند که قدرت چندان ندارد و اجرایی اصلی قدرت در دست رئیس جمهور است.

اجلاس فوق العاده کنفره نمایندگان خلق که روز ۱۳ مارس بکار خود پایان داد، پیشنهاد یلتسین برای انجام همه پرسی را با اکثریت نیرومندی رد کرده بود. علاوه بر این، کنگره در این نشست بخشی از اختیارات فوق العاده‌ای را که قبلاً به یلتسین داده بود، از او پس گرفت. با اینحال، یلتسین پس از رای کنگره، بر سر قصد خود به انجام همه پرسی باقی ماند.

رهبران بلند پایه روسیه بلافاصله اعلام حالت فوق العاده (اداره کشور از طریق فرامین رئیس جمهور) را محکوم کرده و آنرا ناقض قانون اساسی روسیه خواندند. الکساندر روتسکوی معاون یلتسین، تصمیم وی را گامی در راه برپائی دیکتاتوری دانست و سورکین رئیس دادگاه قانون اساسی روسیه اقدام رئیس جمهور را نامشروع با قوانین موجود ارزیابی کرد. میخائیل گارباچف اظهار عقیده نمود که یلتسین تحت تاثیر مشاورانی است که حاضرند برای سرخ کردن یک تخم مرغ خانه را هم به آتش بکشند. روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان نیز در یک نطق تلویزیونی سیاستهای یلتسین را ضربه‌ای به فروری روسها و در

راستی وابستگی و نفی استقلال روسیه ارزیابی کرد و اعلام حالت فوق العاده از جانب او را گامی در راه برپائی دیکتاتوری و نقض ثبات و امنیت کشور دانست. وزیر دادگستری روسیه به عنوان اعتراض به اقدام یلتسین از مقام

یلتسین، به حمایت گسترده از وی برخاستند. دولت امریکا برای تقویت موقعیت یلتسین، وعده کمکهای کلان مالی و فزاینده داد. کلینتون اعلام کرد که در دیدار ماه آتی خود با یلتسین در ونکوور کانادا برنامه گسترده اعطای

یلتسین به ارایه دیپلماسی آن سوی اقیانوس بدل گشت. در مسائل داخلی و مناسبات با سایر نهادهای اجرائی و قانونگذاری نیز یلتسین رفتاری غیردموکراتیک از خود نشان داد. بویژه اقدام اخیر وی در اعلام حالت فوق العاده، بحران سیاسی هفته‌های اخیر روسیه را بطرز خطرناکی دامن زده است.

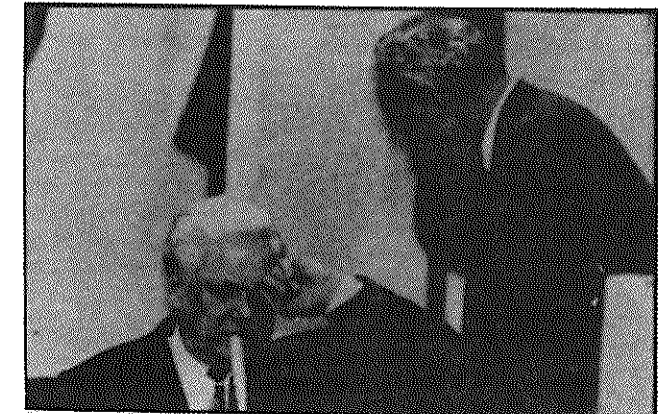
اجلاس فوق العاده کنفره نمایندگان روسیه بنا به درخواست پارلمان و برای بررسی بحران سیاسی و اقدام غیرقانونی یلتسین در اعلام حالت فوق العاده، روز ۲۵ مارس تشکیل جلسه داد. بدلیل نگرانی اکثر نمایندگان از خطراتی که برکناری یلتسین می‌تواند در پی داشته باشد، قرار گرفتن طرح برکناری یلتسین در دستور کار کنگره متوقف شد. توجه نمایندگان هموما معطوف به این بود که راه‌های دیگری برای حل بحران پیدا کنند. تا روز سوم کنگره، نمایندگان نتوانستند به راه حلی قابل قبول طرفین دست یابند. پیشنهاد برگزاری زودرس انتخابات همزمان پارلمان و ریاست جمهوری که مورد پشتیبانی مخالفان یلتسین است با این نظر یلتسین بی نتیجه ماند که اعلام نمود به شرط آنکه اول انتخابات پارلمان برگزار شود، با این پیشنهاد موافقت خواهد کرد. بر اساس آخرین گزارشات در پایان روز سوم کار کنگره اعلام شد که نمایندگان کنگره احتمالاً به قطعنامه‌ای رای خواهند داد که بر اساس آن می‌باید یلتسین و خاسبولاتف از مقام‌های خود استعفا داده، یلتسین بعنوان مسئول بحران سیاسی اخیر معرفی و حالت فوق العاده در روسیه لغو شود.

امداد آخرین لحظاتی که نشریه آماده چاپ می‌شد، کنگره، هم یلتسین و هم خاسبولاتف را در مقام‌های خود ابقاء کرد. اگر چه روسیه ظاهراً یک لحظه حاد بحرانی را پشت سر گذاشته اما همچنان در مسیر بحران حرکت می‌کند.

مجدد به راه اندازند. بمبئی پس از درگیری‌های خونین دی ماه گذشته، می‌رفت تا رهن تازه‌ای بگیرد. از این شهر است که اقتصاد هند به میزان زیادی تغذیه می‌کند. بمبئی پایتخت اقتصادی و مالی هند است. یک سوم مالیات دولت از این شهر تأمین می‌شود.

حزب افراطی بهاراتیا جاناتا که طرفدار "تصفیه قومی" هند از مسلمانان است، از بمب‌گذاری‌های بهره‌بردار سیاسی می‌کند و همه تلاش خود را بکار می‌گیرد تا با تبلیغ این ادعا که مسلمانان مسئول بمب‌گذاری‌اند، موج جدیدی از نفرت مذهبی را برآورد. در روزهای اخیر بار دیگر آشکار شد که سرنوشته‌ها تا حد زیادی بدین بستگی دارد که این کشور بتواند خیزش نژادپرستان هندو به سوی قدرت را متوقف کند یا نه.

خود استعفا نمود و اسکوکوف شخصیت پر نفوذ و دبیر شورای امنیت ملی روسیه که یکی از یاران نزدیک یلتسین به شمار می‌رود با تصمیم وی از در مخالفت درآمد و گفت رئیس جمهور را پیوسته از دست یازیدن به چنین اقدامی برحذر داشته است. پارلمان روسیه روز ۲۱ مارس از دادگاه قانون اساسی خواست نسبت به قانونی بودن اقدام یلتسین رسیدگی کند. دادگاه قانون اساسی چند روز بعد در یک نشست طولانی اقدام یلتسین در مورد اعطای اختیارات ویژه به خود را ناقض قانون اساسی خواند اما پیشنهاد وی در مورد انجام همه پرسی را مقایسه قانون نداشت. پارلمان هم چنین کنگره نمایندگان خلق را برای تشکیل اجلاس فوق العاده دیگری برای بررسی بحران روسیه فرخواند. برغم مخالفت‌های جدی با اقدام یلتسین در داخل روسیه، کشورهای غربی با بی‌اهمیتی کامل به غیرقانونی بودن اقدام



بمب‌گذاری‌های گذشته، یک سلسله جنایتکارانه، هند را تکان داد. آمار تلفات این اقدامات تروریستی، بسیار بالاست. بعنوان نمونه، تنها در روز جمعه ۱۲ مارس، بمبئی بزرگترین شهر هند شاهد انفجار سه بمب ظرف سه ساعت بود. بمب‌ها در ساعاتی از روز در اماکنی منفجر شد که حداکثر تلفات را داشته باشد. از زیر آوار ناشی از سه انفجار، بیش از ۲۵۰ جنازه قطعه قطعه شده و سوخته بیرون کشیده شد. بیش از چهار صد تن از ۱۲۰۰ مجروح سه بمب‌گذاری، در وضعیت وخیمی بسر می‌برند.

چند روز بعد، کلکته واقع در شمال شرقی هند آماج بمب‌گذاران قرار گرفت. این حادثه نیز دهها کشته به جا گذاشت.

علاوه بر بمب‌هایی که منفجر شده، پلیس چند بمب را که چاشنی آنها عمل نکرده بود، کشف و خنثی

کرد. تروریست‌ها این بمب‌ها را در موتورسیکلت‌هایی کار گذاشته بودند که در بازارهای پر از جمعیت پارک شده بودند.

مسئول این جنایات تکان دهنده کیست؟

هندوهای افراطی مدعی‌اند که سرویس مخفی پاکستان (ایسی) در این بمب‌گذاریها دست دارد. برخی مقامات رسمی دولت و حزب حاکم کنگره نیز این ادعا را تکرار کرده‌اند. کسانی هم هستند که می‌گویند ممکن است "بیرهای تامیل" که متعم به قتل راجیو گاندی نخست‌وزیر سابق‌اند، مسئول بمب‌گذاری‌ها باشند. از

جمهوری اسلامی نیز بعنوان توطئه‌گر احتمالی نام برده می‌شود.

به همان اندازه که مسئولیت بمب‌گذاریها در پرده ابهام است، انگیزه آن نیز نامعلوم است. رانوی نخست‌وزیر هند می‌گوید "دشمنان" می‌خواهند با بمب‌گذاری، مانع رونق اقتصاد هند شوند، رونقی که نشانه‌های آن دیده می‌شود. اینکه بورس بمبئی آماج انفجار بمب بود، در جهت تأیید این حدس عمل می‌کند. اما نخست‌وزیر ایالت ماهاراشتر که بمبئی پایتخت آن است، معتقد است بمب‌گذاران می‌خواهند میان هندوها و مسلمانان درگیری

موج بمب‌گذاری در هند

کرد. تروریست‌ها این بمب‌ها را در موتورسیکلت‌هایی کار گذاشته بودند که در بازارهای پر از جمعیت پارک شده بودند.

مسئول این جنایات تکان دهنده کیست؟

هندوهای افراطی مدعی‌اند که سرویس مخفی پاکستان (ایسی) در این بمب‌گذاریها دست دارد. برخی مقامات رسمی دولت و حزب حاکم کنگره نیز این ادعا را تکرار کرده‌اند. کسانی هم هستند که می‌گویند ممکن است "بیرهای تامیل" که متعم به قتل راجیو گاندی نخست‌وزیر سابق‌اند، مسئول بمب‌گذاری‌ها باشند. از